

توطئه هفتم آمریکا در حال اجراست!

صفحه ۲

۸ مارس (۱۷ اسفند) روز همبستگی زنان جهان را، به زنان رزمنده و قهرمان ایران صمیمانه شادباش میگوئیم

درود بر زنان رزمنده و قهرمان ایران!

انقلاب ایران باید سر آغاز رهایی زن ایرانی باشد

هشتم مارس (۱۷ اسفند) روز همبستگی زنان جهان در مبارزه علیه امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا، روز همبستگی در مبارزه بخاطر حذف صلح در سراسر گیتی و در هر نقطه از جهان و روز همبستگی در مبارزه برای حقوق برابر زن و مرد، فرصت مناسبی بمنت داده است، تا

نامۀ ۴۱۲

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۶۲
یکشنبه ۱۷ اسفند ۱۳۵۹، مطابق با
۱ جمادی الاول ۱۴۰۱ - به ۱۵۰ ریال

حزب توده ایران توجه جدی مقامات مسئول را جلب میکند:

ضد انقلاب عملیات وسیعی را در خراسان تدارک می بیند

اقدامات مسلحانه در کوهها، ایجاد درگیری و تشنج، دام زدن به نارضایتیها، تبلیغ علیه رهبر انقلاب و نهادهای انقلابی بشکل بیسابقه ای در سراسر استان پشاور خراسان توسط جبهه متحد ضد انقلاب سازمان داده شده و روزگسترش مییابد.

صفحه ۳

ضد انقلاب لاهیجان را به آشوب کشاند

عمل سرسپرده امپریالیسم آمریکا، عوامل ضد انقلاب با دستکاری گروهک های آمریکائی - سائوئیستی بیگانه، رزمندگان و گروهک های سبک سوار ساخته که نام کمونیستی نبردها بر خود نهاده است بعد از یک هفته درگیری و تشنج آفرینی موفق شدند لاهیجان را به آشوب بکشانند. متأسفانه هواداران سازمان مجاهدین خلق هم که جای واقعی آنها در کنار خلق است در ایجاد آن نارضایتیها

کشته نیز مبارزه کرده و دیرپروزی انقلاب سهمی ادا کرده بودند. اینان غالباً به گناه داشتن عقاید و چه از مسائل خود رانده شدند و به انبوه بیگانهان پیوستند. این نحوه پاکسازی بالطبع نارضایتی هائی، بویژه در میان قشر جوانی که در اوج توان و کارائی خود بود، و بدون علت منطقی به پس رانده شده بود، برانگیخت. گروه دیگری نیز از پاکسازی نارضامی بودند، اما من غیر حق. اینان همان عوامل بقیه در صفحه ۴

در هیئت های پاکسازی گناه کسانی جای گرفته بودند که از صلاحیت سیاسی و اخلاقی لازم برخوردار نبودند و چه بسا خود مستحق پاکسازی بودند. این افراد به تبع اغراض شخصی و پیش داوری های خود، پاکسازی را از مسیر صحیح، که راندن عوامل و افراد طاقوتی و سواراکی و فاسد از ادارات و موسسات دولتی بود، منحرف ساختند و به تصفیه افرادی دست زدند که مطلقاً منایقه سوئی نداشتند، مومن به انقلاب بودند و چه بسا علیه نظام فاسد

پاکسازی در وزارتخانه ها و موسسات دولتی و وابسته بدولت، با آنکه خالی از محتوای انقلابی نبوده، اما نقایص و مایب جلی داشته است. به همین جهت ضمن متوقف ساختن مکرر امر پاکسازی از سوی مراجع مسئول، سرانجام دولت «لایحه قانونی بازسازی نیروی انسانی» را به مجلس تقدیم کرد، تا هم اشتباهات گذشته جبران شود و هم پاکسازی طبق ضوابط منسوب مجلس شورای اسلامی انجام گیرد.

لئونید برژنف: خط مشی گسترش همکاری با همایان اتحاد شوروی و کشورهای ازبند رسته، خط مشی اتحاد سوسیالیسم جهانی و نهضت های آزادی بخش ملی پیگیرانه دنبال خواهد شد

بخشی از خلاصه گزارش لئونید برژنف دبیر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی به کنگره یست و ششم این حزب را در شماره دیروز به نظر خوانندگان نگاه «مردم» رسانیدیم. اینک ادامه آن: لئونید برژنف در این بخش از گزارش خود به بحث در پیرامون فعالیت حزب در جهت توسعه همکاری پاکتور-های از بند رسته پرداخته گفت همکاری ما با این کشورها در این مدت پنجمی قابل ملاحظه افزایش یافته است. وی

نبرد میان رزمندگان جمهوری اسلامی ایران و متجاوزین سدامی در جبهه های جنوب و غرب ایران همچنان ادامه دارد. ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران با انتشار اطلاعیه شماره ۴۲۵ خود قسمتی از فعالیت های رزمندگان جمهوری اسلامی ایران را بدین شرح اعلام داشت:

۱- در جبهه غرب درائریک حمله هماهنگ شده یک تبه دیده بانی در خاک عراق اشغال و ۵۷ نفر از نیروهای عراقی اسیر و ۸۰ نفر کشته و ۱۲۰ نفر

بر اساس اطلاعیه ستاد مشترک ارتش: نیروی دریایی ایران خسارات سنگینی به تأسیسات عراقی وارد آورد

مجموع ۸ تانک دشمن متهدم و چاره تدارکاتی آنان بسته شد. در این عملیات ۵ نفر از پرسنل نظامی و برادران پاسدار به درجه رفیع شهادت نائل و ۱۰ نفر نیز زخمی شدند. ۲- در جبهه آبادان - ماهشهر مبادله آتش بین مدافعان انقلاب اسلامی و متجاوزین عراق ادامه

تأسیسات نفتی و مناطق منکونی آبادان ۵ نفر از پرسنل نظامی و غیر نظامی شهید و ۲۵ نفر مجروح شدند. ۳- در جبهه اهواز نیروهای متجاوز عراقی نقاط مختلف شهرستان اهواز را زیر آتش سلاح سنگین قرار دادند که در نتیجه تعدادی خانه مسکونی متهدم، یک نفر شهید و ۱۶ نفر مجروح شدند. ۴- نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران طی ۲۴ ساعت بقیه در صفحه ۷

جنایتکاران صدامی ۹ پاسدار دلاور را مثله کردند

● در مراسم تشییع جنازه پاسداران شهید که پیگرهای مثله شده آنها بعد از دو ماه و نیم بدمت آمده مردم فریاد میزدند: این سند جنایت آمریکاست
● از ششپای تنها کاکل خونینش باقی مانده بود. مردم آن را در جعبه ای گذاشته و رویش نوشته بودند: شهید گمنام.

شهر اهواز در عزای عمومی بود. اجساد مثله شده ۹ پاسدار از جبهه موسنگرد، کشف شده بود و روز دهم اسفند ماه، ۹ اجسک تشنه به خون بریام دستها تشییع شدند. این جانهای شریف، حدود دوماه و نیم پیش، در جبهه موسنگرد، در زیر باران آتش و آهن، بدمت جیره خواران صدام جنایتکار گرفتار آمدند. جانان متجاوز سدامی، طی مراسم غیر انسانی، این جانهای شوریده و عاشق را به محاکمه کشیدند و سپس آنان را دست و چشم بستند و بشکل فجیع مثله کردند. هنگام انتقال اجساد از سردخانه بیمارستان جندی شاپور واقع در خیابان ۲۴ متری اهواز، آنان که در برابر بیمارستان ازدحام کرده بودند، برجای جای این پیکرهای نازنین، آثار زخم و حثیانه جانان فانیست داروسته صدام را بچشم دیدند. در پیشاپیش صف سوگواران، بریام دستها، جبهه کوچکی قرار داشت که پارچه سفیدی آنرا می پوشانید. روی پارچه نوشته شده بود: شهید گمنام. این جبهه کوچک آشیان تنها عضو کشف شده از پیکری شریف و پای در بند انقلاب بود. کاکل آشفته و خونین که بدمت سفاکان جنگ افروز از پیکر نازنین جانان عاشق، تنها مانده بود. در زمین راهبیمانی، اینجا و آنجا، گناه مردان، تکیه داده به دیوارها، چهره شان را در دستمال می پوشانند و اگر کسی دقت بقیه در صفحه ۷

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران نوطه هفتم آمریکا در حال اجراست!

هموطنان گرامی!
اجتماعی که در روز پنجشنبه ۱۴ اسفند ماه ۵۹ در تهران بنسبیت سالروز درگذشت دکتر محمد مصدق تشکیل شد حواشی ناگواری که در همان روز در تهران و در روزهای بعد در تهران، مشهد، لاهیجان و... روی داد، بار دیگری نشان داد که: نوطه هفتم آمریکا در حال اجراست!

این اجتماع و همچنین اجتماع روز ۷ اسفند ماه ۵۹ لیرپالیا در امجدیه که در آنجا شمار اصلی مردم ایران، یعنی «مرگ بر آمریکا» سکوت ماند و پیامدهای آن، در چارچوب نوطه هفتم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران اجرا شده است.

بلافاصله پس از توطئه ششم آمریکا علیه ایران - تجاوز نظامی رژیم صدام به ایران - آمریکا در تهران تدارک برای تجاوز نظامی مستقیم علیه جمهوری اسلامی ایران، تمام نیروهای اهریمنی خود و متحدانش را در داخل کشور برای نیل به هدف شوم خود: نابودی انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی ایران یکجا گذاشت. تلاش برای تصرف کردن انفجار عمومی از دست واقعی و اصلی - آمریکا و تجاوز آمریکائی صدام علیه ایران از راه جنجال درباره خط موهوم کمونیسم، ایجاد و تشدید اختلاف و نفاق بین نیروهای انقلاب و مقامات جمهوری اسلامی ایران - ایجاد و تشدید تنش و درگیری بین نیروهای انقلابی، بوسیله عواملی که در بین آنها جدا میزبند، سوء استفاده از ندانم کاریها، زیاد رویا و اشتباهات برخی از عناصر در حاکمیت انقلابی، تلاش برای جلوگیری از اجرای تدابیر انقلابی نظیر بند دوم قانون اصلاحات ارضی و قانون ملی شدن بازرگانی خارجی، تدارک برای ایجاد جنگ داخلی - در صورتیکه هیچکدام از این توطئه ها به نتیجه نرسد - و نظائر آن، همه برای آنست که - همانطور که ریگان رئیس جمهور آمریکا گفته است - زمینه برای روی کار آمدن دولت مغول و معتدل و میانه رو فراهم شود، که چیزی نیست جز صانع کردن جاده برای مسخ انقلاب و سرانجام نابودی انقلاب.

برای اجرای این توطئه های اهریمنی، جبهه متحدی مرکب از ضدانقلاب سازمان یافته، کلان- سرمایه داران، بزرگ مالکان، وابستگان به رژیم سرنگون شده پهلوی، ساواکی ها و همچنین لیرپالیا و مائوئیستی های آمریکائی تشکیل شده است. تشکیل چنین جبهه ای با چنین هدفی مدت ها است انجام گرفته و لذا نه عجیب است و نه تازه. آنچه مایه کمال تأسف و سبب نگرانی است اینست که اولاً آقای رئیس جمهور توانسته است خود را از این جبهه - که میگوید خود را پشت سر مقام ریاست جمهوری پنهان کند - جدا

کند. برای اجرای این توطئه های اهریمنی، جبهه متحدی مرکب از ضدانقلاب سازمان یافته، کلان- سرمایه داران، بزرگ مالکان، وابستگان به رژیم سرنگون شده پهلوی، ساواکی ها و همچنین لیرپالیا و مائوئیستی های آمریکائی تشکیل شده است. تشکیل چنین جبهه ای با چنین هدفی مدت ها است انجام گرفته و لذا نه عجیب است و نه تازه. آنچه مایه کمال تأسف و سبب نگرانی است اینست که اولاً آقای رئیس جمهور توانسته است خود را از این جبهه - که میگوید خود را پشت سر مقام ریاست جمهوری پنهان کند - جدا

کند. برای اجرای این توطئه های اهریمنی، جبهه متحدی مرکب از ضدانقلاب سازمان یافته، کلان- سرمایه داران، بزرگ مالکان، وابستگان به رژیم سرنگون شده پهلوی، ساواکی ها و همچنین لیرپالیا و مائوئیستی های آمریکائی تشکیل شده است. تشکیل چنین جبهه ای با چنین هدفی مدت ها است انجام گرفته و لذا نه عجیب است و نه تازه. آنچه مایه کمال تأسف و سبب نگرانی است اینست که اولاً آقای رئیس جمهور توانسته است خود را از این جبهه - که میگوید خود را پشت سر مقام ریاست جمهوری پنهان کند - جدا

ضد انقلاب...

بقیه از صفحه ۱
درگیری های پراکنده ای در گوشه و کنار شش دیده شد. عده ای در شش به راهپیمایی پرداختند و تحریک و تشنج ایجاد و وسیعتری به خود گرفت و به درگیری شدید و زد و خورد منجر شد. خیابانهای شهر شاهد اعمال خرابکارانه و حمله به مغازه ها از جمله چند کافه رومی و شرب و جرح شد. با کمال تأسف مسئولین امر نیز در آن هنگام که تلفه درگیری و زد و خورد بسته میشد در جلوگیری از این اعمال اقدامی نکرده و نقش تماشاچی را بازی کردند. کار به تعطیل مغازه ها و اجتماع مردم کشید.

فصلین ضدانقلابی که ساواکی های حرفه ای هسته اصلی آنها را تشکیل میدهند دست به عمل تحریک آمیز بسیار وخیمی زدند و اعلامیه ای در سطح استان گیلان پخش کردند که در آن ادعا شده بود که لاهیجان بوجومه آن اشغال شده است. در این اعلامیه اعلام شده است که لاهیجان در تصرف نیروهای انقلابی است و آنها قصد دارند پاسداران انقلاب را سرکوب کنند! بدنبال این اعلامیه ساواکی ها گروهک آمریکائی- مائوئیستی (دیگرکمی نیز طی اعلامیه ای اعلام کرد که «دکته مقاومت» تشکیل داده و از مردم خواست برای سرنگونی جمهوری اسلامی ایران در این کمیته ثبت نام کنند! همزمان با انتشار این اعلامیه تلفن افراد ناشناسی به مغازه ها تلفن کردند و با تهدید از مغازه داران خواستند مغازه های خود را تعطیل کنند.

بدنبال پختن این اعلامیه ها سپاه پاسداران انقلاب کنترل شهر را در دست گرفت و زمینه را برای ایجاد آرامش در لاهیجان فراهم آورد. در ارتباط با حوادث هفته گذشته لاهیجان لازم به تذکر است که فرماندار لاهیجان در اجتماع مغازه داران این شهر ضمن سخنانی با اشاره به حوادث چند روز اخیر، ضمن برشمردن اهمیت حادثه و دخالت امریکاداران لاهیجان توطئه مرامری که مائوئیست لاهیجان نیز شده است، متأسفانه، هواداران حزب توده ایران را در

توده ای ها را با مائوئیست های آمریکائی، قاطی نکنید!

به گزارش دکتر مرکزی خبر، فرمانده سپاه پاسداران بندر انزلی بیرون ناآرامی های ۱۵ اسفند این شهر، که به زخمی شدن دو پاسدار منجر شد، از جمله گفته است: «طی چند روز اخیر دانش آموزان وابسته به گروه های توده ای مارکسیست... شروع به توطئه کردند!» «مصدون یکصد نفر از دانش آموزان چندین مدرسه وابسته به جیبی و توده ای در محل مدرسه راهنمایی تخصصی دخترانه صادق پور بندر انزلی جمع شدند و در مورد ۱۹ بهمن و سیاهگل شعار دادند... نقشه های که از آنجا بیست آمده، حکایت از این دارد که میخواهند این انتصاب را در چند روز آینده به همه مدارس انزلی بکشانند!» (کیهان، ۱۶ اسفند ۵۹)

اطهارات فرمانده سپاه پاسداران بندر انزلی، مورد تکذیب جدی و قاطع ماست. بنظر ما شایسته فرمانده سپاه پاسداران یک شاعر، یعنی مسئول یکی از مهمترین نهادهای انقلاب کشور ما، آنستکه اولاً سنجیده و براساس تحقیق سخن بگوید و ثانیاً - این چنین از واقعیات دوران پس از انقلاب بر اطلاع نباشد و چنین حزب توده ایران را که صادقانه و با تمام قوا از انقلاب، جمهوری اسلامی ایران و آرکان های انقلاب پشتیبانی کرده و قاطعانه با هرگونه تحریک و درگیری و تشنج مخالفت میکند، با مائوئیستی های آمریکائی قاطی نکند. این همان هدفی است که امریکالیست آمریکا و این گروهکها اصولاً برای آن بوجود آمده اند که با خرابکاری علیه انقلاب تحت نام «کمونیسم» بدبینی نسبت به حزب توده ایران را میان نیروهای انقلابی، مسلمان کرده باشند، و از اتحادیه های مدافع انقلاب جلوگیری کرده، بر تفرقه بیفزایند.

ما امیدواریم که فرمانده سپاه پاسداران انزلی، به ایسن تذکرات، توجه کند.

اوضاع لاهیجان بسیار حساس است و ضدانقلاب نقشه وسیع را دارد که بی توجهی مسئولان در برابر تحریکات و توطئه آفرینی ها و چاقوکاری ها عواقب وخیمی میتواند داشته باشد و مقامات مسئول باید بوظیفه انقلاب خود، با آکام و احتیاطی عمل کرده و هر چه جزو تر به اعمال تحریک آمیز رشتن آفرین اجتناب هرکس و در هر لباسی که باشد پایان دهند. باید قاطعانه ضدانقلاب را سرکوب کرد و اجازه نداد عوامل آن زمینه را برای اجرای توطئه هفتم آمریکا آماده کنند.

تقویم سال نو



۱۳۶۰
منتشر شد

توجه!

مقالات زیر، که در روزهای اخیر در «نمونه مردم» انتشار یافت، برای مطالعه ویژه رفقا توصیه میشود:
• اجرای بند دوم (شماره ۵۵۶)
• با طرد انحصارطلبی و قسری گریز راه را بسوی گسترش و تعمیق کین انقلاب بکشائیم (شماره ۵۵۹)
• تأمین و تضمین آزادی فعالیت اجزای و سازمانهای سیاسی ضرورت حیاتی دارد (شماره ۶۶۱)

بمجلس داده شده است. نمیتوان مدعی بود که در این لایحه ضوابط پاکسازی تماماً درست انتخاب شده. برای نمونه تبصره ۲ ماده ۳۰ قانون میگوید: «انتخاب به کتاب غیراسلامی موجب عدم صلاحیت برای خدمت در وزارت آموزش پرورش» میشود. در حالی که بقیه ما، در وزارت آموزش و پرورش و هر وزارتخانه و موسسه دولتی دیگر، تنها معیار صحیح باید ایمان به انقلاب و تلاش برای حفظ و پیشبرد آن باشد و بس. و همچنانکه در مقدمه لایحه ساختن ادارات و موسسات آموزشی و دیگر نهادها از وجود افرادی باشد که در گذشته و حال تسوی از انحاء مانع استقرار و رشد و گسترش انقلاب بوده هستند. حال اگر کسی نه فقط مانع استقرار و رشد و گسترش انقلاب نیست، بلکه برای حفظ دستاوردهای آن آماده برای همه گونه ایثار و فداکاری است، چرا باید به صرف «اعتقاد» به کتاب غیر اسلامی، پاکسازی شود؟ باید در کنار افرادی قرار گیرد که بوجوب ایمان لایحه، بدلیل جرائم سیاسی و نظامی و مالی و اداری و اعمال خلاف عفت عمومی در دوران قبل و بعد از انقلاب، بحق باید پاکسازی شوند؟

لایحه بازسازی...

بقیه از صفحه ۱
انتخاب چنین ضابطه نادرستی آن شد که بسیاری از افراد صالح و معتقد به انقلاب، که دانش و تخصصشان باید در خدمت انقلاب گرفته میشد، اخراج شدند و بسیاری از اشخاص ناصالح و تا مغز استخوان فاسد نه تنها پاکسازی نشدند، بلکه با نظاره به «مکتبی بودن، ارتقاء مقام هم یافتند و پاره ای از آنان در مقامات حساس اداری جسی گرفتند. «نیک خلق» در مقام معاونت وزارت بازرگانی جای گرفت. «هنسلس هسته ای»، که تا آخرین روزهای انقلاب به نصب تاسیسات ساواک سرگرم بود، به معاونت وزارت صنایع و معادن و رئیس سازمان گسترش صنایع منسوب شد و نه تنها توانست اجرت کارهای را که برای ساواک انجام داده بود، در دوران انقلاب از دولت انقلابی دریافت کند، بلکه موفق شد با سوء استفاده از موقعیت ممتازی که دستهای پنهان در اختیارش گذارده بودند، مدیران تمام کارخانه های ملی شده را از میان دوستان و افراد مورد اعتماد خود، که بدون شک ضدانقلابی بودند، انتخاب و منصوب کند، که کارشکنی های این گروه از مدیران طاغوتی از عوامل موثر کاهش تولیدات صنعتی بوده است.

چنین ضابطه نادرستی آن شد که بسیاری از افراد صالح و معتقد به انقلاب، که دانش و تخصصشان باید در خدمت انقلاب گرفته میشد، اخراج شدند و بسیاری از اشخاص ناصالح و تا مغز استخوان فاسد نه تنها پاکسازی نشدند، بلکه با نظاره به «مکتبی بودن، ارتقاء مقام هم یافتند و پاره ای از آنان در مقامات حساس اداری جسی گرفتند. «نیک خلق» در مقام معاونت وزارت بازرگانی جای گرفت. «هنسلس هسته ای»، که تا آخرین روزهای انقلاب به نصب تاسیسات ساواک سرگرم بود، به معاونت وزارت صنایع و معادن و رئیس سازمان گسترش صنایع منسوب شد و نه تنها توانست اجرت کارهای را که برای ساواک انجام داده بود، در دوران انقلاب از دولت انقلابی دریافت کند، بلکه موفق شد با سوء استفاده از موقعیت ممتازی که دستهای پنهان در اختیارش گذارده بودند، مدیران تمام کارخانه های ملی شده را از میان دوستان و افراد مورد اعتماد خود، که بدون شک ضدانقلابی بودند، انتخاب و منصوب کند، که کارشکنی های این گروه از مدیران طاغوتی از عوامل موثر کاهش تولیدات صنعتی بوده است.

حزب توده ایران توجه جدی مقامات مسئول را جلب میکند:

ضد انقلاب عملیات وسیعی را در خراسان تدارک می بیند

این ترتیب ادامه یابد، باید در انتظار حوادث ناگوار در آینده نزدیک بود. متأسفانه انحصارطلبی، تکس نظریه ها، بدنامت کاپریا، توسل به شلاق زدن و نیز حبس و تبعید برخی از جوانان شیرویه سیله برخی از روحانیون و مقامات مسئول شهر، برای حل مسائل، زمینه مناسبی برای تحریکات و حادثه آفرینی های ضد انقلاب در این شهر فراهم ساخته است.

تعمیق انقلاب و شیوه های انقلابی توطئه ها را خنثی می کند

مجموعه حوادث یاد شده، که متأسفانه پیوسته تشدید میشود، نشان دهنده وسعت و عمق فعالیت ضد انقلاب در استان پهنای خراسان است. ضدانقلابیون، با استفاده از انواع حیلها، سعی میکنند که اکثریت زحمتکشان شهر و ده را، که علیرغم همه مشکلات پشتیبان انقلاب هستند، ناامید و از انقلاب جدا کنند. ضدانقلابیون با استفاده از تجربه امیرالیسم در بخون کشیدن انقلابها، تلاش خود را برای جدا کردن نیروی اصلی انقلاب، یعنی توده های ده ریه، متمرکز کرده اند و پیوسته گسترش میدهند.

راه مقابله با این توطئه ضدانقلابی، قبل از همه، تعمیق انقلاب بود زحمتکشان شهر ده است. با اجرای بند «ج» قانون اصلاحات ارضی زمینه عینی مشکلات در نقاط سنی نشین استان از بین میرود. واگذاری زمین به زحمتکشان روستاهای خراسان، که در شرایط قرون وسطایی زندگی می کنند، این نیروی عظیم را به انقلاب و ادامه آن جلب و توطئه ضدانقلاب را خنثی می کند. ملی کردن بازرگانی خارجی، ریشه کن کردن گرانی، که تنها از طریق مبارزه با سرمایه داران بزرگ ممکن است و اقدامات انقلابی از این دست می تواند توده های شهری را هم بیش از پیش به انقلاب امیدوار سازد و زمینه توطئه ضدانقلاب را در شهرها از میان ببرد.

در جوار تعمیق انقلاب، استفاده از شیوه های انقلابی و برخورد انقلابی، خونردانه و متین با توده های ضرورت جانی دارد. حوادث اخیر خراسان نشان داده است که برخورد های نادرست می تواند مسائل کوچک را به فاجعه تبدیل کند و عملاً آب به آسیاب ضد انقلاب بریزد. برای مثال میتوان از حوادث ۱۴ بهمن ۵۹ کاخک یاد کرد.

از مدتی قبل، مقامات مسئول تصمیم داشتند که برای تامین آب آشامیدنی شهر گناباد، حلقه چاهی در نزدیکی شهر حفر کنند. این عملی بود انقلابی و بسود مردم. اما از آنجا که مردم کاخک، که در محاصره کویرند و با کم آب روبرو هستند، نگران این بودند که حفر چاه سبب کم شدن و یا خشکیدن آب قنات های کاخک خواهد شد و در نتیجه ضربات جدی به کشت و زرع آنجا وارد خواهد ساخت، به حفر چاه اعتراض کردند. ضدانقلابیون و بویژه گروهک مائوئیستی - آمریکائی «پیکار»، که از مدتی قبل فعالیت را برای تشنج آفرینی در شهر آغاز کرده بودند، بر این زمینه عینی به شایعه پراکنی پرداختند و مردم را تحریک کردند. از سوی دیگر، برخی از روحانیون و مسئولین شهر به شیوه های نادرست و غیرانقلابی با اعتراض مردم روبرو شدند. آنها سعی کردند، که با توسل به شیوه های انحصارطلبانه، مسئله را یکطرفه حل کنند. در نتیجه شهر به انفجار کشیده شد و منجر به کشته و مجروح شدن چند نفر گردید. در حالیکه مقامات مسئول می توانستند با توضیح این مسئله برای زحمتکشان کاخک، مشورت با آنها و استفاده از نیروی مردم، مسئله را به بهترین شکل حل کنند و نه تنها اجازه ندهند که این عمل، که واقعا بسود مردم است، در جهت انقلاب استفاده کنند.

تظایر این برخورد در نیشابور هم بکرات دیده شده و برخی از روحانیون این شهر می گویند با برخورد یکطرفه مسائل را حل و فصل کنند و در نتیجه ضدانقلاب از اعمال انحصارطلبانه آنها نهایت بهره برداری را می کند.

حزب توده ایران برپایه اخبار مذکور، درباره فعالیت ضدانقلاب در خراسان هشدار جدی می دهد و از مقامات مسئول می خواهد که هر چه زودتر مشکلات این استان را حل کنند و با تعمیق انقلاب، زمینه عینی فعالیت ضدانقلاب را از میان ببرند. درنگ در این امر خطیر بسود ضدانقلاب است.

اقدامات مسلحانه در کوهها، ایجاد درگیری و تشنج، دامن زدن به ناراضی ها، تبلیغ علیه رهبر انقلاب و نهادهای انقلابی به شکل بی سابقه ای در سراسر استان پهنای خراسان توسط جبهه متحد ضد انقلاب سازمان داده شده و هر روز گسترش می یابد.

لیبرالها و مائوئیست های آمریکائی در قسمت های سنی نشین خراسان فعالیت وسیعی را برای اجرای نقشه «طائف» مینی پر رو در رو قرار دادن شیعه و سنی دنبال میکنند.

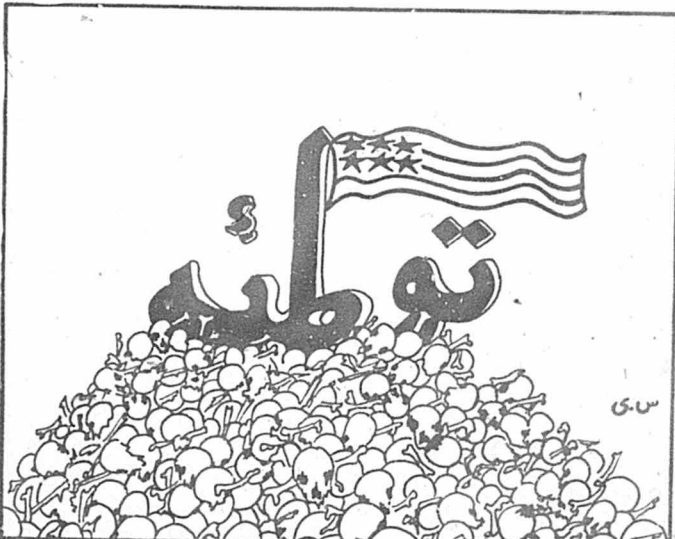
انحصارطلبی و سرخورد نادرست برخی از مقامات مسئول و روحانیون بهانه لازم را برای ضد انقلاب فراهم می سازد.

فراهم میسازد، قوچان را آسیب پذیر کرد است. اخیراً تلاش های مشکوکی برای جلب کردهای «کرماج» و تحریک احساسات قوم آنان صورت می گیرد و مرتباً تشریفات گروهک آمریکائی کومه در بین کردهای کرماج توزیع می گردد. هدف آنان ایستادگی، بقول خردشان، گردستان دیگری در این منطقه ایجاد کنند.

در گزق

در این شهر شمالی خراسان هم ضد انقلاب بشویدا فعال است. ضدانقلابیون این شهر بطور عمده تحت پوشش حزب ایران (حزب ابوالفضل قاسمی ساواکری و چنانشین

شده، سعی در منحرف کردن تظاهرات و دادن شعارهای ضد انقلابی کردند و کوشش بعمل آوردند که جو را متشنج و زمینه را برای درگیری فراهم سازند، که خوشبختانه با هوشیاری مردم توطئه آنان خنثی شد. در «مشتخواره»، در نزدیکی خواف، نیز ضدانقلابیون و بویژه مائوئیست های آمریکائی «پیکار» دست به اقدامات خائنانه ای برای جلب جوانان و بویژه دانش آموزان و تحریک احساسات مذهبی آنان زدند. اقدامات سنجیده برخی از مسئولان هم متأسفانه بهانه های لازم را برای آنها فراهم می آورد. اگر انقلاب دست به اقدامات عاجل نزند، این منطقه در آینده نزدیک آیینت حوادث دویسه قه انجاری است.



شایور بختیار، که اکنون بجزم شرکت در کودتای ۱۸ تیر در زندان است) به فعالیت تفرقه افکنانه مشغولند. اخیراً این حزب مشکوک فعالیت خود را افزایش داده و دست به تهیه طومار برای آزادی ابوالفضل قاسمی زده است. همزمان با برگزاری انتخابات در این شهر، برای انتخاب نماینده بجای ابوالفضل قاسمی، احتمال بروز تشنجات و درگیری در این شهر می رود. برخورد هوشیارانه و قاطعانه مقامات مسئول شهر خواهد بود توانست این توطئه را خنثی کند.

کاخک (گناباد)

در روز چهاردهم بهمن ۵۹ حادثه تاسفباری در کاخک روی داد و در نتیجه چند نفر کشته و مجروح شدند. از آن پس جو شهر «کاخک» بدست بهم خورد و زمینه مساعدی برای حوادث و فاجع بزرگتر فراهم شده است.

اینک ضدانقلابیون گروهک مائوئیستی-امریکائی «پیکار» و لیبرالها با تمام نیرو از این حادثه بهره برداری و از گناباد انقلابی و بویژه سپاه پاسداران را، که متأسفانه برخی از آنان در این حادثه به رودز دومی مردم کشانیده شدند، تشعیم می کنند.

نیشابور

مدتی است که شهر بزرگ نیشابور، شاهد تشنجات و درگیری های روزمره است و اگر اوضاع به

در این شهر میزی، قباچیان، فروشندهگان اسلحه و مواد مخدر تحت پوشش «مجاهدین» افغانی مرتب رفت و آمد می کنند. طبق اطلاعات موقوق ساواکری-های فراری و فرودلای این منطقه، که با ترموق بند «ج» کنتاختر شده اند، بطور مرتب با باند های مزدور افغانی در تماس هستند و برای توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران آماده می شوند.

در تایباد، هر چند که نمایندگان روحانی شیعه و اهل تشن در اعلامیه تحریک توطئه های دکنفرانس طائفه را محکوم کرده اند، اما در این اواخر حرکات تکران آوری بی چشم می خورد. بطور مثال، یکی از روحانیون اهل تشن، که متأسفانه در دام توطئه کشندگان دکنفرانس طائفه افتاده است، به طرح مسائل نفاق-افکنانه مابین شیعیان و سنیان می پردازد و سپس شمار می دهد: «ای مردم چرا خوابیده اید. به مقدمات شما توجه می کنید. بریزید».

ضدانقلابیون، لیبرالها و مائوئیست های آمریکائی این جو را تشدید می کنند و حتی آنرا با گردستان و شیخ عزالدین حسینی مرتبط می سازند. همزمان با این فعالیتها، اقدامات مشابهی در مدارس تایباد انجام می گیرد. برخی انحصارطلبی ها و برخورد های نادرست زمینه را برای فعالیت ضدانقلابیون، که هدف آنها و بدنبال آن تبلیغات وسیع ضدانقلابی و رودز و پو قرار دادن مردم با این ارگان انقلابی است، آماده میسازد. متأسفانه هواداران «مجاهدین خلق» هم، که جای آنها در کنار خلق است، در این دام ضد انقلاب و لیبرالها و مائوئیست های آمریکائی افتاده اند.

شیروان

در این شهر پس ماندگان طاغوت، افسران فراری شاه ملوم، خانها و چاقو داران سابق شیدایا فالاند، نماینده شاخص ضد انقلاب مسلح، آذروسته ضد انقلابی تصارالله بهادران است، که در کوههای شیروان پروز و بچنورد به فعالیت مشغولند. بملاده گروههای تحت نامهای «سپ تازان»، «سواران جنگل»، «سربداران» در این کوهها تعلیمات نظامی و خرابکاری می بینند. این ضدانقلابیون در اوائل تابستان چند نفر از دهقانان مبارز را بقتل رساندند و در ۱۷ شهریور شبانه پنشر شیروان حمله کردند و موجب کشته شدن دو نفر و ایجاد آتش سوزی در شهر گردیدند. هم اینک این باند های ضد انقلاب با پوشش چپانایانه و مسوسپال دکنراک، متشانه نوع بختیار، اعلامیه برای سرنگونی جمهوری اسلامی می دهند و دم از دجامه بی طبقه کارگری می زنند!

قوچان

در این شهر هم ضد انقلاب فعالیت خود را تشدید کرده است و از همه شیوه های ممکن استفاده می کند. یکی از هدف های اساسی ضد انقلاب در این شهر ایجاد تشنج و درگیری در شهر و به تعطیل کشاندن مدارس است. متأسفانه دانش آموزان هوادار «مجاهدین خلق» اغلب در دام می افتند. درگیری های متعدد در مدارس، برخورد تنگ نظرانه برخی مقامات هم که دست اوین لازم را

ضد انقلاب در استان پهنای خراسان، مانند دیگر نقاط کشور، توطئه وسیعی راسازمان داده و آن را در مقیاس بی سابقه ای با سرعت گسترش میدهد. سرمایه داران بزرگ، کلان زمینداران، خانها، ساواکری ها، مائوئیست های آمریکائی و لیبرالها، در جبهه متحدی، نقش ضد انقلاب را در پهنای ترین استان ایران، به شکل های کاملاً مختلف و در لباس های رنگارنگ، اجرا می کنند.

اقدامات مسلحانه خانها و طاغوتیان فراری در شمال استان، تشدید اختلافات، ایجاد درگیری و تشنج، دامن زدن به ناراضی ها، تبلیغ علیه رهبر انقلاب، نهادهای انقلاب و نیروهای طرفدار انقلاب، سرفصل های نقشه خائنانه ضد انقلاب برای به انفجار کشیدن خراسان است. یکی از خطرناکترین قسمت های نقشه ضد انقلاب، تلاش فوق العاده وسیع برای اجرای توطئه دکنفرانس طائفه، یعنی رو در رو قرار دادن موطنان شیعه و سنی است. مرکز نقل اجرای این نقشه مناطق سنی نشین خراسان، یعنی تایباد، قرمت چام، خواف، قنات و دیگر مناطق شرقی و جنوب شرقی استان است. در ایسن نقاط، لیبرالها و مائوئیست های آمریکائی با تمام نیرو به فعالیت پرداخته اند، تا با استفاده از مسائل قبیله ای و سنی، نقشه طائفه را اجرا کنند و بین موطنان سنی و شیعه درگیری بوجود بیاورند.

با کمال تأسف، منتشر شدن لیست ساواکپهای استان، سرکوب نکردن شبکه سیاسی و نظامی ضد انقلاب، بویژه فتودال های و خانها، اجرا نکردن بند «ج» قانون اصلاحات ارضی و نظایر آن، قطع شدن دست سرمایه داران بزرگ از تهیه و توزیع کالاها از یکسو، و انحصارطلبی ها و بدنامت کاپریا، بویژه برخی مقامات مسئول از سوی دیگر، نه تنها زمینه عینی برای فعالیت ضد انقلاب را از میان نبرده، بلکه پیوسته به آن زمینه بیشتری می دهد.

تگاهی به حوادث اخیر این استان در شهرهای گوناگون، نشان دهنده وسعت توطئه ضد انقلاب است:

تایباد

در این شهر میزی، قباچیان، فروشندهگان اسلحه و مواد مخدر تحت پوشش «مجاهدین» افغانی مرتب رفت و آمد می کنند. طبق اطلاعات موقوق ساواکری-های فراری و فرودلای این منطقه، که با ترموق بند «ج» کنتاختر شده اند، بطور مرتب با باند های مزدور افغانی در تماس هستند و برای توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران آماده می شوند.

در تایباد، هر چند که نمایندگان روحانی شیعه و اهل تشن در اعلامیه تحریک توطئه های دکنفرانس طائفه را محکوم کرده اند، اما در این اواخر حرکات تکران آوری بی چشم می خورد. بطور مثال، یکی از روحانیون اهل تشن، که متأسفانه در دام توطئه کشندگان دکنفرانس طائفه افتاده است، به طرح مسائل نفاق-افکنانه مابین شیعیان و سنیان می پردازد و سپس شمار می دهد: «ای مردم چرا خوابیده اید. به مقدمات شما توجه می کنید. بریزید».

ضدانقلابیون، لیبرالها و مائوئیست های آمریکائی این جو را تشدید می کنند و حتی آنرا با گردستان و شیخ عزالدین حسینی مرتبط می سازند. همزمان با این فعالیتها، اقدامات مشابهی در مدارس تایباد انجام می گیرد. برخی انحصارطلبی ها و برخورد های نادرست زمینه را برای فعالیت ضدانقلابیون، که هدف آنها و بدنبال آن تبلیغات وسیع ضدانقلابی و رودز و پو قرار دادن مردم با این ارگان انقلابی است، آماده میسازد. متأسفانه هواداران «مجاهدین خلق» هم، که جای آنها در کنار خلق است، در این دام ضد انقلاب و لیبرالها و مائوئیست های آمریکائی افتاده اند.

خواف

در این منطقه، که تعداد کثیری از موطنان سنی در آن زندگی می کنند، ضد انقلاب از اوائل بهمن ماه ۵۹ فعالیت خویش را تشدید کرده است. مائوئیست های آمریکائی «پیکار» شبها چون خورشید بیرون می آیند و شمارهای ضد انقلابی بر سر و دیوار می نویسند. در روز ۱۴ بهمن ۱۳۵۹، همزمان با راهپیمایی مردم به مناسبت شهادت ۲ تن از افراد جهاد سازندگی خواف، که در حین فعالیت در روستاهای کویری شهید شده اند، عده ای از این عناصر ضد انقلابی، همراه عده ای تحریک

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

اخراج بی رویه کارگران توسط کارفرماها خطری جدی برای انقلاب است

کارفرماهای طاغوتی چون گذشته به فعالیت‌های مغرب خود در کارخانه‌ها و مراکز تولیدی ادامه می‌دهند

برای جلوگیری از اقدامهای خرابکارانه و ضدانقلابی کارفرماها باید به اتحادیه‌های صنفی کارگران تکیه کرد

باتدوین قانون کاری که با روح انقلاب بزرگ مردم ایران سازگار باشد دست مستمگر و خیانت‌پیشه سرمایه‌داران بزرگ را از جان و کار کارگران کوتاه کنیم!

کارفرماها ازین عمل دوهفد را دنبال می‌کنند: از سویی - کارگران انقلابی را نسبت به انقلاب بسدین می‌سازند و از سوی دیگر باعث کاهش تولید و در نتیجه کمبود کالاها در بازار می‌شوند، در نتیجه، نارضایتی‌ها را در یکس مردم تشدید می‌کنند. کارفرماها اگر مجبور شوند کسانی را استخدام کنند، سعی دارند تا افراد مورداعتماد خود را که سوانند به‌توانمندی‌های ضد انقلابی آنها باری برسانند، به کار بکارند. به این ترتیب آنها می‌کشند عناصر غیرانقلابی، سازشکار و در مواردی ضدانقلابی را براس کارها قرار دهند، تا از این طریق و با نارضایتی‌ها و کمبودهای مصنوعی که ایجاد می‌کنند، توسط این افراد کارگران را به اغتصاب و تحمیل بکشانند.

نقش ضدانقلابی کارفرماهای طاغوتی پس از گذشت دو سال از انقلاب به‌سوی برای کارگران آشکار شده است. ادا در حالیکه مسئولین نرزه‌بان مسئله آگاهی کامل دارند، ولی تاکنون اقدام موثری درباره طرد این عناصر صورت گرفته‌است و کارفرماهای طاغوتی چون گذشته به فعالیت‌های مغرب خود در مراکز تولیدی و کارخانه‌ها ادامه می‌دهند.

مسئله اخراج کارگران خطری جدی برای انقلاب است و باید برای آن راه‌حل مناسب انتخاب شود. انقلاب برای

تحصیل انقلابی طبقه کارگران ایران است که می‌خواهد حقانیت، برتری و آزادی و صداقت خود را در دفاع از انقلاب اثبات کند. او باید آنکه زندگی‌اش دچار اختلال و کمبود شده و فشار زندگی هر لحظه بر او سبب می‌شود، دست از انقلاب و دفاع از آن بر نمی‌دارد، تا ثابت کند که طبقه کارگران سوارترین مدافع انقلاب است. در این حالت کارفرماهای طاغوتی و ضدانقلابی بیشتر از همیشه نمایان می‌شود، وجود مغرب حسن کارفرما - هایی از آغاز پیروزی انقلاب، ضرات حدی بر میگردد انقلاب، وارد کرده‌است. میهن ما، به استفاده همه جانبه از امکانات خود برای تولید بیشتر نیاز مرم دارد. این ضرورت انقلاب است. و ضدانقلاب بخوبی از آن آگاه است. به همین دلیل توطئه‌های ضد انقلاب برای به تعطیل کشاندن کارخانه‌ها، از زهان پیروزی انقلاب آغاز شد. مدیران و کارفرماهای طاغوتی براس امور قرار گرفتند (در حال حاضر سوسا سافا مهنوز در بسیاری از مراکز تولیدی و کارخانه‌ها براس امور قرار دارند). او به خرابکاری پرداختند. به بیانه‌های گوناگون کارگران را اخراج کردند، تبعات‌های ناروا چون "اخلالگر"، "ضدانقلابی" و "کم‌کاری" به کارگران زدند. قوانین طاغوت نمک، به علت آنکه هیچ تعمیری نکرده، کمزوری برای کارفرماها بود،

اخراج بی رویه و غرض‌گرای کارگران، بی‌سازگشت دوسال از انقلاب همچنان ادامه دارد، و براس ادعا می‌شود و دلایل بسیاری گواهی می‌دهند. اخراج کارگران به بیانه‌های گوناگون و به دلایل مختلف صورت می‌گیرد. بیانه‌عمده کارفرماها برای اخراج کارگران، بی‌تعمیر بودن کارخانه‌ها، "اخلالگری" و "کم‌کاری" است. در حالی که اکثر کارگران اخراجی مومن به انقلاب و خواص حافظ دستاورد های انقلاب هستند. بطور مثال، جندی‌بیش یکی از کارگران قسمت "تخلیص" کارخانه "فورتکس" قم، به بیانه "اخلالگری"، "کم‌کاری" و "ضد انقلاب بودن" از طرف کارفرما اخراج شد. این عمل در اوایل جنگ تحمیلی رژیم صدام صورت گرفت. کارگر محمد کورسبی از اخراج شدن عازم جنبه جنگ شد و به همراه سایر دشمنان تجار و بزرگان پرداخت. وی ۲۶ روز در حبس بود و آندمیک مبارزه کرد. پس از آن به حبس سوسوگودا اعزام شد و دو ماه به دفاع ارسوسگودا پرداخت. در حمله ۲۸ صفر (۱۵/۱۰/۵۹) سه نیروهای جاووزگر صدام شرکت داشت و در کنار دیگر رزمندگان میهنان ۸۲۰ نفر از جاووزگر صدامی را به اسارت درآورد. پس از سوسوگودا به هوزه رفت و در آنجا براس ترکش خمپاره دشمن زخمی شد، و در حال حاضر در یکی از بیمارستان‌های بیرون ستر است. وی در تمام جبهه‌های جنگ علیه دشمن مبارزه کرده و حقیقت خود را به عنوان مبارز مومن دوست، در دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن ثابت کرده است.

این کارگران "ضدانقلابی" بود، اگر کم‌کاری نبود اگر "اخلالگر" نبود، هیچگاه پس از اخراج شدن و علیرغم نارضایتی‌هایی که در عرصه زندگی برای او وجود نداشت، عازم جنبه نمی‌شد و فعالیت در جنگ دشمن متجاوز شرکت نمی‌کرد. این انسان زحمتکش را از جان گذشتگی رودروری دشمن انسان و "دشمن" و در واقع عمل مهربانه کارفرما باعث دل‌سردی او نسبت به انقلاب شد. واقعیت این ماجرا نمایانگر

حفظ خود احتیاج به نیروی کارگران و پشتیبانی آن دارد. به همین دلیل، هرگونه عطی که باعث نارضایتی در بین کارگران شود، از جمله اخراج بی دلیل کارگران، عطی است ضدانقلابی و در جهت اهداف امپریالیسم جهانی و در راس آن امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب داخلی بوده. آن زیرا با اخراج کارگران استوارترین و نیرومندترین نیروی پشتیبان انقلاب دچار سرخوردگی و عدم اعتماد به انقلاب می‌شود. این بهترین فرصت برای ضدانقلاب است، تا توطئه‌های خود را علیه انقلاب به مرحله اجرا درآورد. برای جلوگیری از چنین اقدام‌های خرابکارانه و ضد انقلابی، تأطیم و عمل انقلابی لازم است. از جمله این اقدام‌ها چیست: اخراج کارگران در صورت موجه بودن به اعتبار قانون، زیر نظر سندیکاها صورت بگیرد و در این مورد تنها ارگان مسئول سندیکا باشد. پس از اخراج نیز این ضمانت به کارگر داده شود که در محل دیگری کار جدیدی به او واگذار خواهد شد. در مدت بنگاری نیز حقوق کارگر اخراج شده باید پرداخت شود.

ماده ۳۳ قانون کار فعلی نیز وسیله‌ای در دست کارفرماهای طاغوتی است که به وسیله آن بسیاری از کارگران انقلابی را از کارخانه‌ها اخراج کرده‌اند. لذا ضروری است که هر چه زودتر تکلیف این ماده کذایی قانون کار روشن و از اقدامات ضدانقلابی کارفرماها جلوگیری شود. مسئولین نهادهای انقلابی باید با اتکا به زحمتکشان انقلابی و با اقدامات انقلابی، جوخ‌های انقلاب را به پیش ببرند، و عناصر ضدانقلابی را از صفوف مردم طرد کنند. تدوین قانون کاری که از هر جهت در شان انقلاب دوران ساز ایران باشد و عموماً ضد امپریالیسم و مریدی آن را نشان دهد، همزمان با وفاداری عطی نسبت به اصول صحیح در قانون اساسی بیامون آزادی تشکیل و فعالیت احزاب صنفی (شورا و سندیکا) کارگری و احزاب از کارگران انقلابی در برابر رژیم لجام کسخته سرمایه‌داران بزرگ، نه تنها خواست زحمتکشان، بلکه ضرورت درنگ ناپذیر انقلاب ایران است.

ضرورت پاکسازی در خطوط لوله و مخازن نفت شیراز

توضیح خواست، ولی چون رئیس منطقه بای اعتباری به این مسئله برخورد کرد میان او و نماینده شورا درگیری پدید آمد. در پی این درگیری، رئیس منطقه از مرکز درخواست کرد که هیئت مامور مذاکره شود. هیئت مذکور پس از شرکت در جلسه با حضور نماینده شورا، حاضرین متن مذاکرات ثبت و ضبط نمود. در نتیجه هیئت بدون هیچگونه اظهار نظری شیراز را ترک کرد. رئیس منطقه هم به اصفهان اعزام شد.

اکنون در منطقه، به‌عنوان گروهی از سرگشته‌ان مناطق خطوط لوله جهت ابراد فشار به وزارت نفت برای اخراج نماینده شورا، تصمیم به استعفا دسته‌جمعی دارند. این شوه نشان میدهد که دست‌هایی در کارند تا سباز بزرگ کردن مسائل فرعی در صنعت نفت، با صفت حیاتی رابه شتخ و ناآرامی بکشانند.

با توجه به شایعه‌پراکنی‌های عناصر بورژوازی لیبرال، که تحت عنوان کارمند در منطقه خطوط لوله مسئول کارند، پاکسازی اصولی و انقلابی در منطقه خطوط لوله و مخازن نفت شیراز در سطح صنعت نفت ضرورتی است که باید بی‌درنگ به آن جاسه عمل یوشانند.

مخازن کرمانشاه است. رئیس بعدی منطقه نیز که از طرف وزارت نفت، بطور موقت، به منطقه فرستاده شد، با عدم توجه به کارروایی‌های خوش، عدم سرکشی به تلمیخ‌خانه‌های تابه و عدم توجه به خواسته‌های شورای اسلامی کارگران و دوری از مشورت با آنان نشان داد که علاقه‌ای به کار و ضرورت‌های انقلاب ندارد. به این ترتیب آن شیراز از کارکنان منطقه، که مومن به انقلاب هستند، و انتظار داشتند که وزارت نفت افراد مومن به انقلاب را در راس امور بگذارد، هربار با عکس آن جریان مواجه شده‌اند.

اخیرا، بدینال انتقال گروهی از کارکنان منطقه خطوط لوله و مخازن اهواز، بخاطر مسائل ناشی از جنگ به شیراز، رئیس منطقه، با وجود کامل بودن کادر سازمانی بهره‌بردار در منطقه شیراز، گروهی از کارکنان اهوازی را به ماهوریت به تلمیخ‌خانه‌های تابه منطقه شیراز اعزام داشته است. روز یکشنبه ۱۶ آذرماه ۵۹ در اثر تصادف صینی بوس حامل کارگران بین راه شیراز و تلمیخ‌خانه‌های نورآباد، کجساران، دونفر از کارگران اعزامی کشته شدند.

بدینال این حادثه، یکی از نمایندگان شورای کارگران از رئیس

در منطقه خطوط لوله و مخازن نفت شیراز، تا کنون مسئله‌های بنام پاکسازی انفرادی عناصر وابسته رژیم طاغوت و اخراج شایع برکنان لیبرال مطرح نبوده‌است. علت این مسئله را باید در رخنه مدیران لیبرال و گناه طاغوتی در صنعت نفت دانست. کسبه هوار مانع پاکسازی اصولی و انقلابی شده‌اند. گناه تنها تعویض صورت گرفت‌است و بعدری که همگان با منافع و ضرورت‌های انقلاب و خواسته‌های کارگران کام بر میداشت‌است، با حفظ سمت، به مدیریت یکدیگر از قضیاتی صنعت نفت کشور منصوب شده‌است!

پس از پیروزی انقلاب، رئیس منطقه شیراز، که فردی از حامیان رژیم فطرد یلهوی بود، توسط کارکنان بوم کارند و بجای او یکی از مهندسان قسمتهای انتخاب شد. وی پس از تصدی سمت ریاست منطقه، به‌را لیبیرال‌ها کام نهاد و بی توجهی به خواست کارکنان، بویژه کارگران را در پیش گرفت، و در صف کسانی وارد شد که قیلا خود وی معتقد بود که صلاحیت انجام وظیفه را ندارند. او پس از خود را کم‌کم دیگر مدیران لیبرال ابقا کرد، ولی با پاسزاری کارگران از کاربردانش و بعدا کمک دیگر روسا به اهواز منتقل نمودم اکنون رئیس منطقه خطوط لوله و

برای حل مشکل مردم ایران: تأسیسات صنعتی و کشاورزی نیمه تمام پیاوشهر و آبکار اندازید

شهرستان ایرانشهر، واقع در استان سیستان و بلوچستان، دچار مشکلات فراوان است. برپایه همین مشکلات، ضدانقلاب سعی می‌کند این شیر را، که می‌تواند در حفظ امنیت تمام منطقه نقش مهمی را ایفا کند، به آشوب بکشاند و دچار درگیری‌های داخلی سازد.

ایرانشهر، به‌علت داشتن منابع زیرزمینی گازی و خاک حاصلخیز، برای اجرای طرح‌های صنعتی و کشاورزی استعداد فراوان دارد. به همین علت هم در دوران رژیم شاه مأمون، طرح‌های استعماری و سرمایه‌گذاری کلان برای استفاده از نیروی کار ایران و منابع فراوان این محل، در دست اجرا بود.

اکنون که ۴۰ سال از پیروزی انقلاب می‌گذرد، مراکز صنعتی و کشاورزی متعددی که پیاوشهر، هنر طرح‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها، نیمه‌تمام رها شده‌اند و بجای استفاده رساندن به اهالی محروم منطقه، خاک می‌خورند. همچنین مراکز نیز که توسط ارگان‌های انقلابی، نظیر جبهاد سازندگی در این محل ساخته شده است، به‌علل مختلف از قبیل نبودن پرسنل کافی و فقدان تخصص متمم و کارکنان، در خطر تعطیلی قرار گرفته‌اند. از آنجمله می‌توان از مراکز گاو‌داری ایرانشهر، که روزانه ۸۰۰ کیلو تا یک تن محصول شیر داشته نام برد. این مرکز همچنین تولیدکننده محصولات لبنی با کیفیت عالی است و سرمایه‌گذاری بی‌نظیر به‌تعمیر حدود ۵ میلیون تومان بوده‌است. در همین زمینه باید به تعطیل بودن مرغداری این شهرستان نیز اشاره کرد. تأسیسات گسترده این مرغداری، که می‌تواند از تولیدی جوجه تا تولید مرغ و تخم مرغ به فعالیت بپردازد، با هزینه‌های حدود ۱۰ میلیون تومان سرمایه‌گذاری، از بعد از انقلاب تاکنون، بدون استفاده مانده است. با توجه به کمبود شدید مرغ و تخم مرغ در این محل، این مسئله مشکلات فراوانی برای مردم بوجود آورده است. برپایه تمامی این مشکلات است که ضدانقلاب دست‌پرونده امپریالیسم آمریکا، تلاش‌های گسترده خود را برای ایجاد نارضایتی در بین مردم محل دنبال می‌کند. قصد این عوامل مایوس کردن مردم محروم این منطقه نیست به انقلاب و دستاوردهای آنست. مسئولان دولت و بخصوص ارگان‌های اجرائی استان، باید با اجرای برنامه‌های ضروری، تأسیسات مراکز صنعتی و کشاورزی و سایر تأسیسات نیمه‌تمام تولیدی این منطقه را سرمایه‌براه اندازند و به رفیع نیازهای ضروری مردم زحمتکشان و محروم این شیر و اطراف آن بپردازند. تنها در پناه چنین اقداماتی است که می‌توان، یورش تبلیغاتی ضد انقلاب بر مردم منطقه را بطرز مؤثر خنثی کرد.

فدائالایون و گروه‌های مائوئیستی - امریکانی در مسجد سلیمان بخوبی این عوامل از جمله گروه‌های مائوئیستی - امریکانی را می‌شناسند و شعار «پیکاری، پیکاری، آواکس» را نیز از مسئولین امن گرجه مردم انقلابی مسجد سلیمان بخوبی این عوامل از جمله گروه‌های مائوئیستی - امریکانی را می‌شناسند و شعار «پیکاری، پیکاری، آواکس» را نیز از مسئولین امن گرجه مردم انقلابی مسجد سلیمان بخوبی این عوامل از جمله گروه‌های مائوئیستی - امریکانی را می‌شناسند و شعار «پیکاری، پیکاری، آواکس» را نیز از مسئولین امن

توضیح و تصحیح

در مطلبی در شماره ۴۵۴ نامه «مردم» در مورد روستای «سندباد» زاهدان، قسمت ۵۰ روستا هزار نفر ذکر شده بود که رقم صحیح آن ه هزار نفر است که بدینوسیله ضمن پوزش، تصحیح میشود.

«پیکاری، پیکاری، آواکس آمریکائی!»

گرجه مردم انقلابی مسجد سلیمان بخوبی این عوامل از جمله گروه‌های مائوئیستی - امریکانی را می‌شناسند و شعار «پیکاری، پیکاری، آواکس» را نیز از مسئولین امن

فدائالایون و گروه‌های مائوئیستی - امریکانی در مسجد سلیمان بخوبی این عوامل از جمله گروه‌های مائوئیستی - امریکانی را می‌شناسند و شعار «پیکاری، پیکاری، آواکس» را نیز از مسئولین امن

فدائالایون و گروه‌های مائوئیستی - امریکانی در مسجد سلیمان بخوبی این عوامل از جمله گروه‌های مائوئیستی - امریکانی را می‌شناسند و شعار «پیکاری، پیکاری، آواکس» را نیز از مسئولین امن

فدائالایون و گروه‌های مائوئیستی - امریکانی در مسجد سلیمان بخوبی این عوامل از جمله گروه‌های مائوئیستی - امریکانی را می‌شناسند و شعار «پیکاری، پیکاری، آواکس» را نیز از مسئولین امن

بته از صفحه ۱

زنان ایران محرومترین معرومان جامعه

دو هزار سال حاکمیت فئودالیسم و قزاقین و سنن و آداب دیرزی این نظام قرون وسطی، بار بر شانه‌های از محرومیت‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برودن زنان نبوده است. سرمایه‌داران غارتگر، که با سلطه خاندان شستید و وابسته پهلوی، رخنه در نسج فئودالی جامعه را گسترش بخشید، خود نظامی است مستحکم و پیر و کش و تبعیض گرا، که تنها چشم بر استفاده از نیروی کار زنان داشت و بهین‌ترین جهت‌فروانین و مستحق‌های عقب‌مانده نظام فئودالی را نگهبان شد و استفاده سرمایه‌داران را نیز بر آن افزود.

بیشتر از بیست سال استیلای خاندان خانی پهلوی بر مسین ماه نسبتاً بر روی زنان - این محرومترین معرومان جامعه - در پیچیده‌ای از نور نکتند، بلکه آنچه بر آن «آزادی زنده انجام شد، چنان اقدامات جزئی، ناپیکار و مسلح و بمباران «تجددنامه» این خاندان بلند و رفع نیازمندیهای اقتصاد وابسته نبود. زنان گام به عرصه اقتصاد کشور نهاده‌اند اما در چارچوب پیش‌ساخته تنگی که سرمایه‌داری وابسته به بود و در زمان نیاز داشت: مدارس دخترانه بوجود آمد و بر تعداد دختران دانش-آموز افزودند، اما نه‌ندان منظور که زیور دانش و فن‌سالاری‌های زن از هیولای مسکین تبعیض سیاسی، اقتصادی و ناپیکار اجتماعی باشد؛ قوانین تبعیض گرا، که یکی از آن دیگر به تصویب مجالس «مستعاضه» رسید، بندها را بریدند و پای زنان تحکیم کرد و بر قوانین و آداب و سنن ویسوده قرون وسطی مهر نهد. نهاد از نیروی کار زنان استفاده شد، اما قانون بیاری زنان نیامد و حق آنان در دریافت دستمزد ساوی پایین شد. باز استفاده چندپایه سرمایه‌داری جسم و روح زنان را در زیر منگنه فشرد.

این قانون مدنی که به تصویب مجلس رضاشاه رسید، زن را در خانواده، برده بی‌حق و حقوق مرد شناخت. روح این قانون چنان با تبعیض زنان مرد عین بود که، سایه سنگین خود را از بدو متولذ بر یک کتف تحفی نوزاد خشی می‌انداخت، زن زن بود و مرد مرد و نه هر دو یک انسان اجتماعی. زن نصف مرد اثر می‌یافت و ارزش شهادت در زن برابر با یک مرد است. پس می‌تواند همسر خود را، خود انتخاب کند و دختر نه، دختر باید در هر سن و در هر مرحله از بلوغ فکری و روحی، موافقت پدر و جد پدری را برای ازدواج خود تحصیل کند. مرد حق دارد همسر خود را با احترام نماند و بدینا اقبال خود در چهارچوب عقده و بیستاد سیفه را به کانون خانواده راه دهد و زندگی را بیرون جنبه سازد. مرد می‌تواند هر وقت که بخواهد، حتی بدون اطلاع قبلی، همسر خود را طلاق گوید و از آغوش خانواده به خیابان اندازد. اما زن حق طلاق ندارد، مگر آنکه به‌هنگام عقد، یعنی در لحظه‌ای که زن جن به یک زندگی مشترک نام‌المع نمی‌داند، برای خود از مرد حق طلاق طلب کند، و تازه با مرد است که حق طلاق بدهد یا ندهد. مرد می‌تواند حق مادری را نیز از زن بگیرد، به‌آزوبدی که مستخدم بگیرد، از او برای نگاهداری کودک خود، ۲ تا ۲ سال (پس ۲ سال و دختر ۲ سال) استفاده کند، ولی پس از آن کودکان تازه از پدری مادر جدا سازد، اگر پدر ترک حیات گوید، تازه جد پدری حقوق پدر را بخود تفصیح می‌کند، ولی کودکان نابالغ است و مادر حتی در این زمینه بر فرزندان خود ندارد.

مرد می‌تواند بنام «حیثیت و شئون خانواده» حق اشتغال را از زن بگیرد و او را خانه‌نشین کند. مرد می‌تواند حتی مانع از مسافرت زن نشود، اما خود حق دارد در هر گوشه دنیا که بخواهد، رحل اقامت آن کند، و زن موظف است در چهار سال در انتظار او بماند و از ازدواج مجدد خودداری کند. میاها که مرد بازگرد و هوس امامت زندگی با زن تسامانه را در دل داشته باشد، و شاید هم نداشته باشد، و به محض بازگشت او را طلاق کند.

قوانین دیگری در این دوران، هوشی با قانون مدنی عمل می‌کردند و زنجیرها را بر دست و پای زنان محکمتر می‌نمودند، و بر تازیک‌های تسلط جامعه، رنگ قانون می‌زدند. زنان حق شرکت در انتخابات نداشتند و در شمار دیوانگان و سفیان از حق انتخاب کردن و انتخاب‌شده محروم بودند. قانون مجازات‌موس اختیار زندگی و مرگ زن را بدست شوهر و برادر و پدر سیرده بود، تا اگر خواستند او را بکشند، ولی از مجازات مقام میمانند.

مبارزه زنان بر ضد امپریالیسم، علیه ستم و ناپیکاری اجتماعی

شرکت زنان ایران در مبارزات ضد استعماری، که باجینش متماکو آغاز شد و در جنبش مشروطه علیه استبداد خاندان خانیستیم قنار و استعمار خان، آن اوج گرفت، ابتدائاً در راه مبارزه برای برابری حقوق و رفاه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و خانواده‌ای که گذارند، هر چند اختراع رضاشاه موفق شد که این جنبش جوان را، که زیر رهبری حزب گویوست

انقلاب ایران باید سر آغاز رهایی زن ایرانی باشد

و اقتصادی میهن خود را شتاب بخشیده‌اند. **زنان از انقلاب چه می‌خواهند؟**

انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران به زنان این امکان را داد که با تمام وجود خود به مسخه مبارزه نام گذارند. شرکت زنان در مبارزات اجتماعی، که تا آن زمان شکل توده‌ای و همگانی نداشت، شکل توده‌ای بخود گرفت. توده‌شدن مبارزه، آگاهی سیاسی اقتدار مختلف زنان را بنحو بی‌سابقه‌ای بالا برد. دیگر نیازی نبود که پیشروان مبارزه، کوچک به کوچک خانه به خانه، پسران زن برونند و با توفیق‌های افشارگانه و افاضی خود، آثاراً به مبارزه فرا خوانند، توده‌های زن خود در مسخه مبارزه حضور فعال داشتند، و چه بسا که شوق و محرک مردان به‌شکرت در مبارزه بودند.

توده‌ای شدن مبارزه سیاسی در میان زنان، نیروی عظیمی را وارد عرصه اجتماع کرده، که مطالبات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی مشخصی دارد. سلطه نظام‌های غیرمردمی ملی قزاق مانع از تحقق این خواسته‌های منطقی‌شده و زنان نسل اندرسل با محرومیت‌های توان‌سوزی در برابر بود. اکنون که انقلاب میر و نشان حمایت از مستضعفان را برچهره دارد، زنان که مستضعف‌ترین مستضعفان جامعه هستند، متوقع انقلاب، هر چند نتوانند در یک حرکت، تمامی قوانین تبعیض گرا و ستم‌های ظالمانه را درهم‌شکنند، ولی می‌توانند، به‌ویژه از راه پیامده ناشی از مسخه امپریالیسم و نظام دست‌نشانده طاغوتی، در راه آزیمان برداشتن تبعیض میان زن و مرد، گام بردارند. لازمه اینکار آنست که قوانین ظالمانه یکی پس از دیگری منسوخ اعلام شود و بر جای آن قوانین شستید که با محتوای انقلاب برسد یا م‌ها همگنی داشته باشد. اگرچه نمیتوان ستم‌های کهنه راه، که ریشه در دل و جان اکثریت مردم دارد، یکروزه بفراموشی سپرد، ولی میتوان با اقدامات بنیادی و آموزش صحیح، آنها را بتدریج ریشه کن ساخت.

متأسفانه باید گفت که انقلاب هنوز به این توقع منطقی پاسخ مثبت نداده است و علاوه بر این، گام تصمیاتی اتخاذ نشده، اقدامات انجام گرفته وقوانین به‌صورتی رسیده است، که در واقع مانع به نیازهای جامعه انقلابی می‌است.

از جمله مواردی که قانون اساسی جمهوری اسلامی حتی نیاز به بازبینی و ستم و مکمل دارد، عدم صراحت این قانون درباره برابری حقوق زن و مرد است. از این خواست اصولی که بگذرد، تاکنون حتی همان مواد غیرفکرانی قانون اساسی هم به مرحله اجرا در نیامده و گاه از سوی مقامات مسئول برخلاف آن عمل شده است.

اصل بیست و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی، دولت را موظف می‌دارد که برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق ملای و معنوی او زمینه‌های مساعد را فراهم آورد. اما در عمل، به‌عنوان گوناگون، در برابر شرکت زنان در عمل، ستم‌های زندگی اجتماعی سدهای معنوی بوجود می‌آید. با توجه به اینکه یکی از شرایط لازم رشد شخصیت زن شرکت مستقیم او در زندگی اجتماعی است و نه‌اندین او به گوشه خانه و آسین‌خانه؛ با آنکه نمیتوان انکار کرد که انجام وظیفه مادری از اهم وظایف زنان است، ولی میتوان وظیفه زن را در خانه با وظایف او در جامعه هم‌انگ ساخت و نه اینکه بخلغان آن، این یکی را نفی کرد.

محدودیت‌های شغلی که برای زنان بوجود آمده، از جمله منع آنان از قضاوت، باز نشت کردن و باز خرید عمده‌بیماری از زنان تحت عنوان پاکسازی، در حالیکه اکثریتشان نه‌ساواکی بوده‌اند و نه طاغوتی و برعکس، در اوج توان و کارائی روحی و جسمی برای عرصه نیروی کار خود به‌جامعه قرار داشته‌اند، هر چه باشد، در راستای طایفه زمینیه برای رشد شخصیت زن نیست.

اصل ۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی، دولت را موظف می‌سازد که: «بازنایب نیاز جامعه به‌مشارکت گوناگون برایشه‌افرا، امکان‌اشغال بکار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.» تبعیض در اجراع شغل قضاوت و به‌زنان و نیز عدم تأمین مسوئیت شغلی، نقض صریح قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است.

اصل یستم قانون اساسی جمهوری اسلامی، همه افراد ملت، اعم از زن و مرد را یکسان درحیات قانون قرار می‌دهد، از اصل بیست و یکم؛ ایجاد دادگاه صالح را برای حفظ بقای خانواده ضرور می‌شمارد. در حالیکه استناد به‌مواد ظالمانه قانون مدنی مسبب مجلس رضاشاهی از سوی دادگاه‌های مدنی خاص، با روح این دویامه در تناقض کامل است. تردید نیست که دادگاه‌های مدنی خاص، که از نهادهای دوران انقلاب و جانشین دادگاه‌های خانواده» طاغوت‌هستند، می‌توانند و با حفظ بقای خانواده کمک کنند، اگر بر اساس قوانین انقلابی عمل کنند و نه آنکه بر سلطه

قانون مدنی بر این دادگاه‌ها، مسخ گذارند. به‌جست بست که برخی از نمایندگان زن مجلس شورای اسلامی تاکنون نشان‌های به عملکرد این دادگاه‌ها در پایمال کردن حقوق زنان داشته‌اند. رئیس دادگاه‌های مدنی خاص، **حجت‌الاسلام مهدوی کرمانی**، که گفتگوی اختصاصی خود با روزنامه کیان (۱۲ اسفند ۵۹) مرد را مجاز می‌شمارد که اگر هسر او اجازه ازدواج مجدد بدهد و او قدرت اداره امور او خانواده را داشته باشد، به‌انتخاب هسر دوم اقدام کند.

در شرایطی که اکثریت مطلق زنان فاقد استقلال اقتصادی‌اند و برای امرار معاش وابسته به شوهر، چگونه می‌توانند به‌شوهران خود اجازه ازدواج مجدد ندهند، و اگر نخواهند اجازه بدهند و بر سران پائینتری کنند، آیا مانی وجود دارد که مردبخوان عدم امکان سازش و بی‌پناه‌های دیگری از این قبیل، هسر خود را طلاق گوید، تا راه برای ازدواج مجدد خود بگشاید، و تازه اگر مرد بدو اجازه هسر خود بازواج مجدد اقدام کند، قانون برای اوج‌بازاری نمی‌نماید، بلکه به‌عین حق می‌دهد، چنانچه شرف‌من عتد داشته باشد، ملائحتیوخوش را بگیرد، و اگر شرف ضمن‌عقد ندارد، بسوزد بسوزد و جنبه‌ها را تحمل کند. این‌چگونه حمایت قانونی از خودخواه اولت است؟ سراسر این قانون حمایت از مرد بنماینه انسانی متناز و پایمال کردن حقوق زن بنماینه انسانی درجه دوم است، که مخالف با قانون اساسی است.

در شرایطی که قانون حاکم بر دادگاه‌های مدنی خاص به مرد اجازه ازدواج مجدد را حتی بدون رضایت هسر اول هم می‌دهد، و برای اوگرفری نمی‌نماید، زن حق طلاق ندارد، مگر آنکه شرط ضمن عقد داشته باشد، یعنی در ضمن عقد ازدواج حق طلاق از مرد گرفته باشد، که آتم به‌تبادل به‌مستحق است. این‌حق را بدهد، یا نخواهد بدهد و بسا عتد و ازدواج را بهم بریزد، **حجت‌الاسلام مهدوی کرمانی** می‌گوید:

«اصولاً طلاق مکتوب مرد است و از این‌جانب است، یعنی صیغه طلاق بکطرفه است.» رئیس دادگاه‌های مدنی خاص، در مورد سرپرستی از فرزندان در صورت وقوع طلاق، همان حکمتی قانون مدنی را تکرار می‌کند و می‌گوید:

«در صورت طلاق، اگر فرزند پسر باشد، تا ۳ سال و اگر دختر باشد تا ۷ سال حاشتن با زن است... اما بعد از این مدت به‌همراه مرد است.»

ولایت و قیومت فرزند در صورت فوت پدر در همه حال برعهده پدر بزرگ است، زیرا به‌گفته رئیس دادگاه‌های مدنی خاص، پدر بزرگ و کی قبری است. متأسفانه سراسر قوانینی که مبنای قضاوت دادگاه‌های مدنی خاص در امور خانواده قرار گرفته‌اند، چه‌بجز از قانون مدنی مسبب مجلس رضاشاهند، که همیشه مورد اعتراض زنان بوده و برای لغو این قانون زنان ایران مبارزات طولانی کرده‌اند، علاوه بر حاکمیت قانون مدنی بر امور خانواده که فقط به تزلزل آن کمک میکند و نه برکنار آن، لایحه «قصاص» از سوی دولت به مجلس داده شده، که صرفظ از تعارض آن باشرایط زنان، در این لایحه استکارا میان زن و مرد تبعیض مجبوس دارد و همه‌جا دروزن براین پایک مرد بحساب آمده‌اند.

از آغاز سومین سال پیروزی انقلاب هنوزقوانینی که حقوق اقتصادی زنان را برابر با مردان تضمین کند، وجود ندارد؛ هنوز قانون کار طاغوتی بر روابط کار و سرمایه حاکم است، که با وجود تأکید بر برابری و دستمزد زن و مرد، هیچ‌گاه این ماده از قانون اجرا نشده و زنان کارگر و زحمتکش، در برابر کرساوی، دستمزدی کمتر از مردان دریافت کرده‌اند و بدینسان زنان زحمتکش در حمایت قانون قرار ندارند.

انقلاب و مسئله برابری حقوق زن و مرد

برابری کامل و واقعی حقوق زن و مرد، تنها در جامعه فارغ از استعمار فرد از فرد امکان‌پذیر است. اما انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران، که در راه استقرار عدالت اجتماعی، تعدیل ثروت، حذف امتیازات و کاهش نرخ استعمار گام برداشته، می‌تواند و باید آغازی برای برابری حقوق زن و مرد باشد. شالوده‌ریزی یک اقتصاد مستقل، که پاسداری از استقلال سیاسی و اقتصادی ماست، نیاز به استفاده از بازوی کار تمامی مرد و زنان، که نوعی قیاسی جمعیت کشورند، باید در ساختمان اقتصاد نوین جامعه نقش درخور داشته باشند. این میسر نیست مگر آنکه دره‌ای هسته برای زنان کشورده گردد و به تمام تبعیضات دشمنی از لحظه استخدام تا دوران بازنشستگی، پایان داده شود و استعداد و کارآیی و خلاقیت میبار باشد و نه تفاوت جنس. قزون براین، قوانین کسب و تبعیض گرا، که مناسبت تشکیل‌دهنده جامعه وابسته منبتی بر استعمار و ستم دوران طاغوت بوده‌اند، باید تماماً به کور سیرده شوند و قوانین جدیدی، متناسب با روح انقلاب ره‌بخشی ما، که برابری انسانها را ندا داده‌است، بر رویاب‌جامعه و خانواده حاکم گردد.

بته در صفحه ۷

میدهد که سطره نوادیرستان واستعمار
فران «کلاسیک» دیگر پایان می‌پذیرد.
لئونید برژنف سپس به بحث درباره جنگ
ایران و عراق پرداخته گفت: «این جنگ
اظهار منافع این دو کشور بکلی بی‌معناست،
اما اظهار امریاییم که در رویای بزرگانند
موضوع خود در این منطقه است بسیار
سودمند است. اتحاد شوروی طرفدار است
که این جنگ براندگش هر چه نزدیک‌تر بایان
یابد».

لئونید برژنف، سپس ضمن اشاره به
شکست سیاست کمپدیوید اظهار داشت:
«وقت آن رسیده است که کار حل و فصل
مسئله خاور نزدیک را از بن بست خارج
ساخت. در شرایط موجود میتوان این کار
را در چارچوب یک کنفرانس بین‌المللی ویژه
که بصورت فوق‌العاده برپا گردد انجام داد.
اتحاد شوروی آماده است، در این کنفرانس
شرکت کند، ما آماده‌ایم خارج‌ساختن
این مسئله از بن بست با طرفیای ذینفع
دیگر، یعنی با اعراب (البته با تقاضای
آزادبخش فلسطین) و اسرائیل وارد مذاکره
شویم. ما آماده‌ایم همراه با ایالات متحده
در جستجوی راه‌حل شرکت کنیم. ما
حاضریم با کشورهای اروپائی و با تمامی
کسانیکه صدقانه خواستار تأمین صلح
عادلانه و استوار در خاور نزدیک هستند
همکاری کنیم. سازمان ملل متحد نیز
میتواند در این مسئله همچنان به نقش خود
ادامه دهد».

لئونید برژنف درباره با جنبش عدم
تعهد گفت: «این جنبش، عامل مهمی در
مناسبات بین‌المللی بوده و هست. نیروی
آن در جهت گیری آن بر ضد امریالیسم
استعمار و بر ضد جنگ و تجاوز است.
وفاداری جنبش عدم تعهد به این اصول بنیادی
کلید افزایش نقش آن در سیاست جهانی
است و ما از این افزایش استقبال میکنیم.
لئونید برژنف سپس اظهار داشت:

«کشورهای مستعمره سابق در اواسط
دهه ۷۰ موضوع نظام جدید اقتصادی را
 مطرح کردند. توفیر اشکال و ساختار
روابط اقتصادی موجود در جهان بر اساس
برابری یک روند قانونمند تاریخی است. در
اینورد میتوان و باید کارهای زیادی انجام
داد ولی البته نمیتوان این موضوع را چنانکه
برخیها میخواهند به اختلاف میان شمال
«غنی» و جنوب فقیر» تعبیر نمود. ما حاضریم
به برقراری مناسبات عادلانه اقتصادی بین-
المللی کمک کنیم و علاقه کمک میکنیم».

«هیچکس نباید تردید داشته باشد که
حزب کمونیست اتحاد شوروی در آینده نیز
خطمشی بسط و توسعه همکاری میان اتحاد
شوروی و کشورهای از پندسته، خطمشی
تحمیل اتحاد سوسیالیسم جهانی و نهضت
آزادبخش ملی را پیگیرانه دنبال خواهد
کرده».

(دنباله گزارش لئونید برژنف دبیر کل
حزب کمونیست اتحاد شوروی را در شماره
فردا خواهید خواند)

دسته ضداتلابی از خارج به افغانستان
قطع گردد و این موضوع در موافقت نامه-
هانی که میان افغانستان و همسایگانش
منعقد میشود تسجیل گردد و تصمینات
تأییل اطمینان‌زاده شود که مداخله مستقیم
جدیدی رخ ندهد. این موضع اصولی
اتحاد شورویست و ما پیگیرانه آنرا دنبال
میکنیم».

لئونید برژنف سپس به بحث درباره
انقلاب ایران پرداخته آنرا «یک واقعه
بزرگ در حیات بین‌المللی سالهای اخیر»
نامید. وی گفت: «انقلاب ایران با تمام
پیچیدگیها و تناقضات خود اساسا یک
انقلاب ضدامپریالیستی است. خلق ایران
در جستجوی راه خویش بسوی آزادی و
شکوفاییست. ما صدقانه خواستار موفقیت
خلق ایران در این راه هستیم. ما آماده‌ایم
روابط حسن خود را با ایران براساس
حقوق برابر و البته براساس دوستی متقابل
بسط و توسعه دهیم».

لئونید برژنف سپس مسئله مبارزه
آزادبخش خلقها زیر شمارهای اسلامی
اشاره کرده گفت:

«در این اواخر شعارهای اسلامی در
برخی از کشورهای شرقی فضالاه مطرح
مگردند. ما کمونیستها به انتقادات بر مبنای
بیرون دین اسلام و سایر ادیان احترام
مگذاریم. اما در مورد شعارها، مهم آنست
که نیروهائی که این شعارها را اعلام
مکنند چه هدفی را دنبال میکنند. تجربه
تاریخ از جمله تاریخ دوران اخیر گواه
این معناست که مبارزه آزادیبخش
میتواند زیر لوای اسلام گسترش یابد. اما
همین تجربه حاکی از آنست که نیروهای
ارتجاعی نیز برای برپا کردن شورشیای
ضداتلابی شعارهای اسلامی را بکار می-
گیرند. بنابراین اصل موضوع تشخیص
ماهیت واقعی جنبشهاست».

لئونید برژنف در مورد هندوستان
گفت: «همکاری ما با هند در مناسبات
متقابل اتحاد شوروی و کشورهای از پند
رسته مقام شامخی دارد. ما از افزایش
نقش این کشور بزرگ در امور بین-
المللی استقبال میکنیم. روابط دو کشور
همچنان رو به استحکام است و دوستی
شوروی و هند تبدیل به یک سنت مردمی
ریشه‌دار در هر دو کشور شده است».

وی در مورد برقراری روابط همکاری
با اندونزی و دیگر کشورهای عضو اتحادیه
کشورهای جنوب شرقی آسیا گفت: «ما
فانی در این راه نمی‌بینیم».

لئونید برژنف سپس اظهار داشت:
«در پنج سال اخیر در قاره افریقا، حوضه
دریای کارائیب، اقیانوسه دهها دولت نو-
بنیاد پدید آمد. و بلافاصله از جانب اتحاد
شوروی بر مسمت شناخته شده‌اند. پیدایش
جمهوری‌های تازه، اوج گیری مبارزه آزادی-
بخش در تمامی اکتون دیگر در خود
جمهوری افریقای جنوبی برای اعراب نشان

لئونید برژنف...

بقیه از صفحه ۱
و محدود کردن فعالیت سرمایه خارجی.
این راه عبارتست از گرفتن امرمیایی
فرماندهی در اقتصاد بسویسه دولت برگزیده
مردم و سپس بالا بردن سطح نیروهای
مولده از طریق برنامه ریزی و تنویق جنبش
تعاونی در روستاها. این راه عبارتست از
ارتقاء نقش توده‌های زحمتکش در حیات
اجتماعی، ایجاد دستگاه مولر دولتی ازراه
تقویت قدرتی آن بسویسه کدرهای متحد
در برابر خلق. سیاست خارجی این کشور
ماهیت ضدامپریالیستی دارد و در داخل
آنها احزاب اتلابی که یانگ منافع توده‌ها
هستند رشد و استحکام می‌یابد».

لئونید برژنف سپس به بحث درباره
گسترش همکاری بین اتحاد شوروی و
کشورهای از پند رسته در زمینه‌های مختلف
پرداخته گفت: در این زمینه (مضمود در
فاصله بین دو کنکره است) «اتحاد شوروی
با آنگولا، اتیوپی، موزامبیک، افغانستان و
جمهوری دمکراتیک خلق یمن قرارداد
دوستی و همکاری منعقد نموده است. چندی
پیش نیز با سوریه چنین قراردادی بسته
شد. ما با کشورهای در حال رشد همکاری-
های اقتصادی، علمی و فنی وسیعی داریم
که برای طرفین سودمند است و آنسرا
بسط و توسعه میدهم. در این همکاریها
ایجاد تاسیسات بزرگ اقتصادی در آن
کشورها با کمک اتحاد شوروی جای مهمی
دارد. در این ینگونه تاسیسات تصفای
زیادی از واحدهای بزرگ و حتی کلیدی
وجود دارد که برای اقتصاد این کشورها
حائز اهمیت اساسی است و ساختمان آنها
طی چند سال گذشته پایان یافته است. ما
همراه با سایر کشورهای برادر به تقویت
بنیه دفاعی کشورهای از پند رسته کمک
می‌کنیم، البته اگر خودشان چنین تقاضائی
داشته باشند. ما در مورد آنگولا و اتیوپی
که انقلابهای مردمی آنها را میخواستند با
تحریر ضداتلابی داخلی با تجاوخارجی
سرکوب کنند چنین عمل کردیم».

لئونید برژنف افزود: «ما با صدور انقلاب
مخالفیم اما با صدور ضدانقلاب هم نمی-
توانیم موافق باشیم».

لئونید برژنف سپس بمداخله فسد
انقلاب در افغانستان اشاره کرده گفت:
«امپریالیسم یک جنگ حقیقی اعلان‌نشده
بر ضد انقلاب افغانستان بره انداخته و
امنیت مرزهای ما را در معرض خطر
مستقیم قرار داده است. ما ناگزیر به کشور
دوستان افغانستان که از ما تقاضای کمک
نظامی کرده بود کمک کردیم. قندهار
دشمنان افغانستان با شکست روبرو شد».

لئونید برژنف در مورد خروچ واحد-
های ارتش شوروی از افغانستان گفت:
«ما حاضریم با تساوای دولت افغانستان
واحدهای ارتش شوروی را از افغانستان
خارج نماییم. برای ابتکار باید از ایدارو-

دبیر کمیته خلق لبی در تهران: در شناخت رژیمهای اسلامی، آمریکار ا مقیاس قرار میدهمیم

● در رابطه با مسائل سیاسی نمی‌توان آمریکا و شوروی را
در یک ردیف قرار داد.
● اتحاد شوروی به کشورهای مسلمان سلاح می‌فروشد و در
سازمان ملل جانب آنها را حفظ میکند.
● (در لبی) بازرگانی و تجارت خارجی، ملی است
آقای سعد مجبر، دبیر کمیته خلق لبی در تهران، روز شنبه
۹ اسفندماه ۵۹، بناسبت چهارمین سالگرد کمیته خلق لبی، در
یک کنفرانس مطبوعاتی شرکت کرد و به سئوالات خبرنگاران پاسخ
گفت. او از جمله در مورد نظام اجتماعی-اقتصادی حاکم بر لبی گفت:
«در زمینه لزوم تنویق رژیم‌های زوت‌مال خداس، لذا کارخانه‌ها
در مالکیت خصوصی نیست... بازرگانی و تجارت خارجی نیز ملی
می‌باشد».

سعد مجبر در زمینه سیاست خارجی لبی گفت:
«هاتطور که چندروز پیش گفتی، ما تصمیم گرفته‌ایم که
نه شرقی، نه غربی باشیم. فضا در شناخت رژیمهای اسلامی، امریکای
(را) مقیاس قرار میدهم. اگر آمریکا با آن شنیدها مخالفت کند،
اسلامی است و اگر نه، آن رژیم غیراسلامی و قبیله‌اش کاخ سفید و
پایعش رئیس‌جمهور امریکاست. آمریکا بزرگترین دشمن مسلمانان
است، زیرا قبیله اول و دوم را به صیولیسم و حکومت سعودی‌سپرده
و بدنیوسیله به مبارزه با اسلام پرداخته است. در رابطه با مسائل
سیاسی نمی‌توان آمریکا و شوروی را در یک ردیف قرار داد، زیرا
شوروی و تمام کشورهای کمونیستی از سال ۱۹۷۶ با اسرائیل قطع
رابطه کرده‌اند (بجز رومانی) و هم‌اکنون شوروی به کشورهای
مسلمان، سلاح می‌فروشد و در سازمان ملل جانب آنها را حفظ
می‌کند».

نامه «مردم» - اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی
(بجز رومانی) از سال ۱۹۷۶ با اسرائیل قطع رابطه کرده‌اند و نه از
سال ۱۹۷۶. ظاهرا در اینجا اشتباه چاپی رخ داده است.

بقیه از صفحه ۱ جانیاتکاران صدایی...

می‌کرد می‌توانست لرزش شانه‌های آنان را تشخیص دهد، کادرنی
بچه‌اش را تنگ، به پهل جاسازی می‌کرد تا بتواند بلندتر کام
پرآورد و از دیگران عقب نماند.
نسیسی خنک، آخرین بقایای سرما راه در تن‌ها فرومی‌کرد.
شیر در غوای حضور نفس‌ها و دست‌ها جان‌ناز می‌کرد.
اهواز در غم راسخ گامها نمونه دیگری از مقاومت و ایستادگی را
به نمایش می‌گذاشت. مردان و زنان، جوان و سالننده، شانه به‌شانه
بودند، شانه‌ها رویف می‌شد و رویف‌شانه‌ها در سفهای ملول‌خیابانها
را برمی‌کرد. نه، شیر-جان‌پذیر نبود.

در یکپوشه‌های درودست خاشبه شهر، دشمن جانیاتکار
هنوز به کمین نشسته است و شهر زخم رگبارهای مهلک را هنوز
برچهره دارد اما مردم در حریم خیابانها، دانه‌دانه، صف شده‌اند تا با
عزیزان خود مراسم آخرین دیدار را برگزار کنند و در ادامه راه
آنان، تا بیرون‌راندن آخرین دشمن اشغالگر از مین انقلابی،
عهد کنند.

با اعلام شماره از بلندگو، دهانها یک‌صدای فریادمی‌شود و
مشت‌ها به پرواز درمی‌آید:
- این سند جنایت آمریکاست.
- مرگ بر آمریکا.

- چنین پیشکن ریشه صدایم بکن
صف راهپیمایان از خیابان طالقانی می‌پیچد، میدان ۴۴ متری را
دور می‌زند، به خیابان امام عینی سرریز می‌کند. در اینجا غریو
شماره‌ها علیه آمریکا و رژیم دشمن دارودسته صدام، تندروار، برشش
می‌یابد. در این جوان جانان که در طی نخستین مرحله انقلاب یکپایش
را در معنای با قدم‌راندن‌شانه ملامون از دست داده است، اکنون
نیز با جوبی زیر پهل، هنگام برآردان خود، مسمم و قطع کام
پر میدارد. عمل دهانها بر شهر، شور مبارزه و سلحشورمی‌باشد.
جمعیت، شانه به‌شانه، رویف‌رویف‌ها در یک صف به خیابان دکتر شریعتی
(سی‌متری) می‌پیچد و پس از طی مسافتی طولانی در خیابان زند (سابق)
سرازیر می‌شود.

در جایی دیگر از شهر، در محله خزرلیه، نزدیک به پل‌سیاه
کارگران سلحشور «مجمع فولاد اهواز» که طی مراحل مختلف
انقلاب، دلسوزانه و به مسئولیت در کار مبارزه و یکپارچه‌یاند، اکنون
نیز یازو به یازو بهم فترده می‌شوند و با مشت‌های گره‌کرده فریاد
برمی‌آورند: «نه سازش نه تسلیم نبرد با آمریکا»، «خط امام»
ایست نبرد با آمریکا، «سازشکار ملی‌گرا ناپوسد است»...
آنان در صفوف فترده جلوی می‌آیند تا به دیگر راهپیمایان بیوندند.
در «بهشت‌آباد» کورستان عمومی اهواز، حجت‌الاسلام ربانی،
امام‌جمعه مسجد سلیمان، برای مردم سخن می‌گوید. او به توطئه جنبش‌های
ملی‌گرایان اشاره میکند از شکست نهضت در ۳۲ سال سخن می‌گوید.
و توطئه جنبش بر علیه انقلاب و مخالفت با خط امام را محکوم میکند.
حجت‌الاسلام ربانی هرگونه عملی برای جدائی‌انداختن بین ارتش و
سپاه و نیروهای بیخ را توطئه‌های می‌داند که بایستی با آن مقابله
کرد.

با این سخنرانی مراسم تشییع پایان می‌گیرد و دیدن ترتیب مردم
قهرمان شهر اهواز ضمن آخرین دیدار با این عزیزان پاسدار انقلاب،
در ادامه راه آنان تا قطع دست اشغالگران و مبارزه بسا دشمنان
و کثرتک انقلاب و توطئه‌های آمریکا، تجدید عهد می‌کنند.

انقلاب ایران باید سر آغاز...

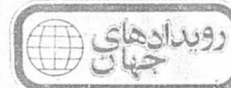
بقیه از صفحه ۶
باید چنان انقلاب فرهنگ انجام شود که عقب‌ماندگی
دختران را در زمینه آموزش و پرورش، که نتیجه مسلطه
فرهنگ نواستعماری است، جبران کند و در زمینه
آموزش و پرورش، از مرحله ابتدائی تا عالی، امکانات
بیشتری را در دسترس دختران و زنان قرار دهد.
در راه تأمین حقوق زنان، هم بنوعان همسر و
مادر و هم بنمایه عضو برابر حقوق اجتماع، قوانینی
باید تدوین فترده که زن را در انجام وظایف اجتماعی‌اش
یاز و مددکار باشند.
امید آنست که با توفیق در قطع کامل نفوذ
سیاسی، اقتصادی و فرهنگی امپریالیسم، بسرگردگی
امریکا شرایط برای تحقق بخشیدن به حقوق برابر
زنان مساعدتر گردد.
انقلاب مردمی ما باید وختشور و مبشر رهائی،
زن ایرانی باشد، اندوه قرون را از چهره زن بزادید
و بر لبان او شکوفه شادی و تبسم بنشاند. زنان ایران
شایستگی‌خود را برای احراز حقوق کامل نشان داده‌اند.

نیروی دریائی...

بقیه از صفحه ۱
گذشته حلمات متعددی به خاک
دشمن انجام و خساراتی به مواضع
نظامی دشمنان مینب اسلام را
وارد کردند. یگانهای بسادفند
زمین‌به‌هوای ما نیز با اجرای آتش
کلیه حملات هوایی دشمن را
خشنی و متجاوزین را مجبور به
فرار ساختند.
۵- نیروی دریایی ارتش
جمهوری اسلامی توسط یگانهای
رزمی شناور خسارات سنگینی
به تاسیسات الیکر و المیو وارد
و یک شناور دشمن را نیز منهدم کرد.
۶- در منطقه پیرانشهر درآش
اجرای آتش توپخانه دشمن در
مواضع نیروهای ما یک سرباز
مجرور شد. در منطقه سردشت
نیز ۶ عراقی خود را به جمهوری
اسلامی معرفی و تقاضای پناهندگی
کردند.

کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!

هواداران حزب در دبیرستان
محبوبه متحدین تتکابن ۹۰۰۰۰ ریال
هواداران حزب در آزاد مسهر
قلم شهر ۱۰۰۰۰۰ ریال
حمت ص ۱۰۰۰۰ ریال
دکتر از تکابن ۱۰۰۰۰۰ ریال
ح ۱- ازسازی ۴۰۰۰۰ ریال
کریم - رحیم - رحمان ف از
ساری ۲۰۰۰ ریال
علاقتمندان می‌توانند کمک
مالی خود را بحساب بانکی
به نام قی کمیته و به شماره
۳۲۳۲ شماره ۴۱۸ بانک ملی
ایران (شعبه دهخدا)، خیابان
شهبان دکتر حسین فاطمی
بپردازند.



تسلیم شانتاز نشوید!

اصلاحات ارضی را بسوزد زحمتکشان روستا تا آخر اجرا کرد، کالاهای معسر عمومی را عادلانه توزیع کرد، مدارس را دولتی کرد... و الی آخر.

ما بوده ایما نیز در معرض شانتاز ضدانقلاب، مخالفان انقلاب، لیبرالها و مائوئیستهای آمریکایی قرار گرفتیم، ولی تسلیم شانتاز آنها نشدیم، بدام آنها نیفتادیم. ما توده ایما را نیز (برعکس) به یاد تسخیر گرفتند که از «آخوندها» بیسروی میکنیم، فرست طلب شده ایم، میخواستیم سهم از قدرت به چنگ آوریم، از ایدئولوژی خودمدول کرده ایم، ماکیاولیست شده ایم، سازش کرده ایم... آنها بدین وسیله میخواستند ما را از راه انقلاب بازگردانند، ما در برابر نیروهای مسلح انقلابی بیژو خط امام قرار دهند، ولی ما به این دام نیفتادیم. صاف و پوست کنده گفتیم که ما از خط ضد - امپریالیستی، ضد استبدادی و مردمی امام خمینی پشتیبانی می کنیم، ما با هر نیرویی، چه مسلمان و چه غیر مسلمان، که در راه تأمین استقلال ایران، در راه تأمین آزادیها و حقوق دموکراتیک توده های میلیونی زحمتکشان، در راه نوسازی کشور بسوزد زحمتکشان مبارزه کند، همراه و همزم همتیم و توهمی نبود. ضدانقلاب، لیبرالها و مائوئیستهای آمریکایی و طرفداران قد و نیمقد آنان از بدنام افتادن ما مایوس شدند. یکی از دلایل کین توزی بیماز گونه آنان علیه ما، که بصورت بارانی از فحش و اتراملیه ما برز کرده است، ناشی از همین امر است. به تسمان ما، بهترین راه خشن کردن شانتاز ضدانقلاب، لیبرالها، مائوئیستهای آمریکایی و طرفداران قد و نیمقد آنان، تسلیم و سبقت درجهت انسجام متوقف همه نیروهای راستین انقلابی، قطع نظر از ایدئولوژی آنهاست، پیشرفت درجهت تشکیل جبهه متحد خلق است.

جلوگیری از عمیق انقلاب است، هدف ضدانقلاب، شکستن انقلاب است.

پس ناسزاگوئی و اترانز به توده ایما، از طرف مسلمانان انقلابی راستین راه حلی است بی فایده، ولی در عوض به انقلاب زبان وارد می آورد، زیرا ناسزاگوئی و اترانز بی توده ایما، باعث می شود که صفوف انقلابیون راستین، انقلابیون راستین مسلمان و پیروان سوسیالیسم علمی - انقلابیون راستینی که با ظلمت و سواست و بیگیری برضد امپریالیسم بسرگردگی آمریکا می زنند، برای ریشه کن کردن کلان - سرمایه داری وابسته و بزرگ مالکی مبارزه می کنند، در راه نوسازی کشور بسوزد زحمتکشان و «کوششکنان» می شوند، اختلاف و شکاف ایجاد شود و این تضعیف جبهه انقلاب است.

اینگونه تضعیف انقلاب نیز نتایج پیداست: بسوزد امپریالیسم و ضدانقلاب و بسوزد لیبرالها و مائوئیستهای آمریکایی و همه طرفداران قد و نیمقد آنان است. بگمان ما، در برابر اینها به هیچ نوعی تسلیم نشد، در برابر اتهام باید شهادت انقلابی داشت. باید صاف و ساده به ضدانقلاب و لیبرالها و مائوئیستهای آمریکایی گفت که از دو دیدگاه دو ایدئولوژی - اسلام راستین و سوسیالیسم علمی - می توان در زمینه های معین مبارزات اجتماعی به نتیجه واحد رسید. از این دو دیدگاه می توان به نتیجه مشخص همگون رسید که باید علیه امپریالیسم و برای تأمین استقلال کامل و واقعی کشور، بی امان و قطع مبارزه کرد، که باید جامعه را از انکلا کراسر مایه داری وابسته و بزرگ مالکی نجات داد، که باید کشور را بسوزد مستضعفان نوسازی کرد، که باید بازگانی خارجی را ملی کرد، بخش دولتی و تعاونی را در اقتصاد کشور تقویت نمود،

است. اگر نیروهای مسلمانان انقلابی راستین، ظلمت خود را در راه اجرای این اقدامات از دست بدهند، در اجرای ملی کردن بازگانی خارجی سست شوند، در اجرای بندوخ اصلاحات ارضی قفل روا دارند... در اینصورت مراد ضدانقلاب بطور نسبی بر آورده شده است و انگشاه جری تر میشوند، فکتر فزون تری وارد می کنند، تا این اقدامات، همه اقدامات انقلابی، همه اقداماتی که درجهت ریشه کن کردن نفوذ امپریالیسم باشد، همه اقداماتی که درجهت محدود کردن میدان عمل کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی باشد، متوقف و یکلی متوقف شود.

برخی از مسلمانان انقلابی راستین، به گمان خود، راه گزین از تیر اتهام توده ای را در این یافته اند که آنها نیز فحش و اترانزی نثار توده ایها کنند، تا بدین وسیله نشان دهند که دچار الفقه ایدئولوژی نشده اند. ولی این باصلاح «درامچل» (بگذریم) از اینکه ناپستند است و با اخلاق اسلامی وفق نمی دهد) فایده که ندارد سهل است، مضر به حال انقلاب نیز هست.

فائده ندارد، زیرا ضدانقلاب و همه مخالفان پیشرفت انقلاب، نه به آن دلیل مسلمانان انقلابی و نه خط امام و دراجاره الفقه ایدئولوژی توده ایها قلمداد می کنند که باین اتهام باور دارند، بلکه بخاطر اینکه میخواهند از اقدامات انقلابی نیروهای مسلمان انقلابی راستین جلوگیرند. اگر مسلمانان انقلابی شیان روز به ما توده ایها ناسزا بگویند، ولی با قاطعیت به عمل انقلابی در راه ریشه کن کردن زامانده های نفوذ امپریالیسم ریشه کن کردن کلان سرمایه داری وابسته و بزرگ مالکی بردارند و این اقدامات را بیکرانه ادامه دهند، همچنان در معرض تیر اتهام «کمونیست» و «توده ای» قرار خواهند داشت. این اتهام وسیله است و نه هدف. هدف

امپریالیستها، ساواکیها، سرمایه داران بزرگ، فئودالها، لیبرالها، مائوئیستها، همه با هم به توده ایها فحش میدهند و اترانز میزنند: خاشن، چایکتسا، دمیسه گر، ماجراجو، وابسته، چاسوس، ستون پنجم... هر آنچه در آئینه می بینند... و سپس به مسلمانان مبارز و انقلابی بیرو خط امام نسبت میدهند که «توده ای» شده اند، «کمونیست» شده اند، تحت تأثیر ایدئولوژی «توده ایها» قرار گرفته اند. الفقه ایدئولوژی شده اند. این شانتاز است.

غرض از این شانتاز اینست که، نیروهای مسلمان انقلابی بیرو خط امام را از مبارزه ضد امپریالیستی، ضد کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی بازدارند و با حداقل آنها در این مبارزه سست کنند، تا میدان برای سازش با امپریالیسم و بازگرداندن آن از «بچیره باز» شود؛ تا زمینه بسری افضح کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی و فئودالیسم فراهم آید. مثلا اگر نیروهای مسلمان انقلابی راستین نشان آورند که باید بازگانی خارجی ملی شود، تا کلان سرمایه داران «بچیره» زحمتکشان را نتوانند غارت کنند، کالاهای باید عادلانه چنان توزیع شود که به همه برسد، مدارس باید دولتی شود، تا همه کودکان و نوجوانان بتوانند به یکسان از آموزش بهره مند شوند، زمین باید به کسی واگذار شود که روی آن کار میکند و زحمت می کند، تا نظام غارتگری در روستا برافتد... اگر کتر گوس - خراش - همه ضدانقلابیون و همه مخالفان تسلیم انقلاب به نوا درمی آید که، این اقدامات «کمونیست» است، مارکسیستی است، «توده ای» است، نتیجه «الفقه ایدئولوژی» توده ایهاست! اگر نیروهای مسلمان انقلابی راستین این اقدامات و نظرات آنها را متوقف کنند، مراد ضدانقلاب و مخالفان تسلیم انقلاب حاصل

خلق اعمال شود، یعنی امپریالیستها فقط سیاستمداران و دولتمداران را با تهدید به رو کردن «سناده» یا ترساندن از عواقب احتمالی یک عمل می ترسانند، و مجبور می کنند خواستهای پلید آنان را عملی سازند، بلکه علیه ملتها هم «شانتاز» میکنند، یعنی با تهدید و ترساندن از عواقب یک عمل، میخواهند بساط غارتگری و سلطه خود را دائمی سازند.

این شیوه پلید «شانتاز» در همه صحنه های نظامی و اقتصادی و سیاسی اعمال میشود و هر روز شاهد آن هستیم که شیطان بزرگ آمریکا، در مقابل ما مردم قهرمان ما، به «شانتاز» دست می زند، ولی اینهمه مسلم است که امپریالیسم آمریکا در اراده خلق ما تزلزل وارد نخواهد ساخت و شیوه شانتاز آن هم، مانند سایرین اسلوبهای عمل شیطانیش، کارگر نخواهد افتاد.

فائش نخواهد کرد و عمل ناشایست احتمالی را بازگو نخواهد نمود.

«شانتاز» می تواند بر اساس سند سازی و جعل و یا صحنه سازی نیز صورت گیرد، یعنی واقعی و درست نباشد، باین ترتیب طرف دستاویزی میسازد تا مرتبا به اعمال فشار بپردازد و میل و اراده خود را بقولاند، هر کس اصولی باشد، از «شانتاز» نمیترسد، ندارد و بنابر این از فرو بردن اسناد واهی یا جعلی واهمه ندارد. این منای محدودتر «شانتاز» است.

در مناسبات وسیعتر سیاسی آن، امپریالیستها و عمال ناپاک آنها، در سیاست پردازی خود اکثرا به «شانتاز» دست میزنند و برای تحمیل نظر و اراده خود به این وسیله کثیف ارباب متوسل می شوند.

«شانتاز» می تواند در مورد یک فرد یک سیاستمدار، یک مرجع، یک حزب و یک

شانتاز، یعنی اعمال فشار از طریق ارباب و ترساندن و تهدید کردن، یا توسل به اینکه روی دادی واقعی یا غیر واقعی، یا اسناد موجود یا غیر موجود، افشا خواهد شد.

مثلا کسی شما را می ترساند که اگر فلان اقدام را نکنید، به همه خواهد گفت که از شما فلان عمل سرزده یا فلان عکس یا نوشته شما را به همه نشان خواهد داد. ممکن است شما فلان عمل را کرده باشید یا نه، فلان عکس یا فلان نوشته مال شما باشد، یا نه، نفس این کار، که با تهدید به افشاء... و نظایر اینها شما را مجبور کند، اقدام مربوطه را انجام دهید، «شانتاز» نامیده می شود.

این اعمال فتناری است که البته اصولی نیست، زیرا اگر شما مطابق میل طرف رفتار کنید، سند مربوطه رسوا خواهد شد.

اعلام روز همبستگی با مردم السالوآدور از جانب معازل اجتماعی آمریکا

گروه بزرگی از شخصیتهای اجتماعی و مذهبی آمریکا روز ۲۴ ماه مارس (۳ فروردین ۱۳۶۰) را بعنوان روز همبستگی ملی با مردم السالوآدور اعلام کردند. در لوس آنجلس تظاهرات چندین هزار نفری اهالی، به نشانه اعتراض علیه کمکهای نظامی آمریکا به رژیم حاکم در السالوآدور، برپا کردند. قرار است تا برگزاری روز همبستگی ملی با مردم السالوآدور، تظاهرات مشابهی در بسیاری از شهرهای آمریکا برپا شود.

گسترش دامنه تظاهرات و اعتصابات در پاکستان

معلمان و کارگران بسیاری از موسسات صنعتی پاکستان، به نشانه همبستگی با اعتصاب پزشکان و دانشجویان و وکلای مدافع، اعلام اعتصاب کردند. در ایستگاههای راه آهن و تأسیسات نظامی اسلام آباد و لاهور از جانب کارگران و کارمندان تظاهرات اعتراضی برپا شد. شرکت کنندگان در اعتصابات و تظاهرات، علاوه بر خواستهای منعی و اقتصادی، خواستهای سیاسی خود را زیر شعارهای: لنو حکومت نظامی، اعاده و تأمین آزادیهای دموکراتیک و برگزاری انتخابات پارلمانی پاکستان مطرح میکنند.

پیشنهاد افزایش هزینه های نظامی به کنگره آمریکا

دولت آمریکا به کنگره آن کشور پیشنهاد کرده است که طی ۱۸ ماه آینده مبلغ ۳۳ میلیارد دلار به بودجه نظامی آمریکا افزوده شود. افزایش این مبلغ زیر عنوان اجرای برنامه بازسازی تسلیحاتی آمریکا، که از جانب کالج سفید پیشنهاد شده، مطرح شده است. بطوریکه در این برنامه پیشبینی شده است، این مبلغ برای تولید نوع جدیدی از هواپیماهای استراتژیک بمب افکن، موشکهای هسته ای و تقویت نیروی دریایی آمریکا مصرف خواهد شد.

اخراج دیپلماتهای آمریکائی از موزامبیک

طبق اطلاعیه منتشره از جانب وزارت امنیت موزامبیک چهار دیپلمات آمریکائی به علت فعالیت های جاسوسی، تحریک و توطئه و مداخله در امور داخلی موزامبیک، متضمن تامل و اخلال شده اند. به آنها اطلاع داده شده است که خاک کشور موزامبیک را ترک کنند.

در اطلاعیه وزارت امنیت موزامبیک آمده است که سازمان مسیاهی آمریکا از همان دوران استعماری شبکه وسیع جاسوسی خود را در این کشور دایر کرده است.

اعتراض به استقرار موشکهای هسته ای آمریکا در آلمان غربی

تاکنون متجاوز از ۱۰۰ هزار نفر از اهالی جمهوری فدرال آلمان زیر بیانه اعتراض به استقرار موشکهای هسته ای در خاک آلمان غربی را امضاء کرده اند. در این بیانه از دولت طلب شده است که با استقرار موشکهای هسته ای در آلمان - غربی موافقت نکند، در اعلامیه ای که از جانب سازماندهندگان جمع آوری امضاء زیر بیانه - اعتراضی، انتشار یافته، گفته می شود که جمع آوری امضاء زیر بیانه اعتراضی به استقرار موشکهای هسته ای در آلمان غربی، با توجه به اینکارات مسلح خواهانه جدید اتحاد شوروی، که در پیست و تشنیم کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی مطرح گردیده، اهمیت فراوانی دارد.

راه پیمائی علیه سیاست نظامیگری دولت در آمریکا

روز سوم ماه مه (۱۳ اردیبهشت) با شعار «بول برای رفع نیازهای مردم» به پتنگونه برگزار شد. بیش از سیصد سازمان اجتماعی و سندیکائی و سازمانهای جوانان در سازمان میزبور متحد شده اند.

تجزیه پایگاه آمریکائی دیه گوارسیا: آمادگی برای یورش به خلیج فارس

سختگوی پتنگون، وزارت جنگ آمریکا، اطلاع داد که نقشه های برای مدرنیزه کردن پایگاه نظامی واقع در دیه گوارسیا در اقیانوس هند در دست تهیه است. وی گفت که امکان استقرار بمب افکنهای سوق الجیشی «F-۵» در آنجا مورد بررسی قرار گرفته است. استقرار این بمب افکنها در جزایر دیه گوارسیا به نیروهای متجاوز آمریکا امکان میدهد که به منطقه خلیج فارس نزدیکتر شوند.

نلد هرزم
زبان مرکزی زب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی
خوابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه «مردم» هنوز در اختیار نامه «مردم» نیست)

NAMEH MARDOM
No. 462
8 March 1981

Price:	
West-Germany	0.80 DM
France	2 Fr.
Austria	8 Sch.
England	20 P.
Belgium	10 Fr.
Italy	350 L.
U.S.A.	40 Cts
Sweden	1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه «مردم» مکاتبه کنند:

صندوق پستی ۱۴/۳۵۵۱، منطقه ۱۴ پستی تهران